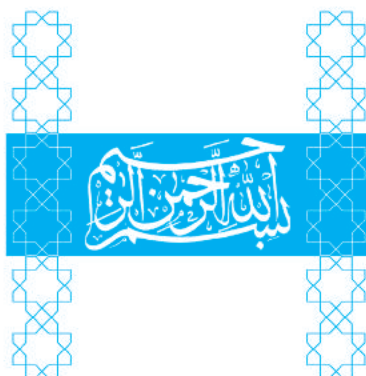




دعای مطالعه:

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرِمْني بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

(خدایا، مرا از تاریکی‌های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا، درهای
رحمتت را به روی ما بگشا و خزانه‌های علمت را بر ایمان باز کن؛ به مهربانی‌ات، ای
مهربان‌ترین مهربانان!)



تقديم به ارواح قدسی ائمه معصومین (علیهم السلام)، به ویژه مولا و مقتدای زمان،
حضرت بقية الله الاعظم (علیه السلام)؛ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ مدافعان
مظلوم حرم اهل بیت (علیهم السلام) و زائران آستان ملکوتی امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)!



عَظِيمٌ
وَأَنْتَ
الْعَظِيمُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طاهری بآبادی، محمدرضا، ۱۳۵۴ -	سرشناسه
در انتظار ولی اعظم : آیین انتظار در آینه آیات و روایات و بیانات امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی)/ مولفان محمدرضا طاهری، مجید تقی‌زاده.	عنوان و نام پدیدآور
مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر
۷۴ص.	مشخصات ظاهری
978-622-6090-03-2	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
چاپ: قبی: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.	یادداشت
کتابنامه	یادداشت
خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۴۸. -- دیدگاه درباره امام زمان	موضوع
Imam Zaman	موضوع
Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI -- Views on Imama zaman	موضوع
خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره امام زمان	موضوع
Views on Imam Zaman	موضوع
Khamene'i, Ali, Leader of IRI --	موضوع
مهدویت -- انتظار -- جنبه‌های قرآنی	موضوع
Mahdism -- *Waiting -- Qur'anic teaching	موضوع
مهدویت -- انتظار -- احادیث	موضوع
Mahdism -- *Waiting -- Hadiths	موضوع
تقی‌زاده رحمت‌آبادی، مجید، ۱۳۶۰ -	شناسه افزوده
آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی	شناسه افزوده
Astan Qods Razavi . Islamic Relief and Communication Assistant	شناسه افزوده
BP۱۰۴ ط۲/م۸۶ ۱۳۹۷	رده بندی کنگره
۲۹۷/۱۵۹	رده بندی دیویی
۵۱۶۴۱۸۳	شماره کتبخانی ملی

عنوان در انتظار ولی اعظم؛
آیین انتظار در آینه آیات و روایات و بیانات امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب مدظله العالی

نویسندگان محمدرضا طاهری بآبادی و مجید تقی‌زاده رحمت‌آبادی

تهیه و تولید اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

ویراستار محتوایی جواد نشاطی‌زاده

ویراستار زبانی و صوری زینب سادات حسینی

طراح جلد علی عصاران

طراح گرافیک و صفحه‌آرا امین کوثری

ناشر معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

چاپخانه مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۸

شمارگان ۱۰۰۰

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۰۰۰۳-۲

قیمت ۷۰۰۰ ریال

نشانی حرم مطهر امام رضا علیه السلام، صحن جامع رضوی، بین باب الهادی علیه السلام و صحن غدیر،

پلاک ۱۸۳، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ **تلفن** ۰۵۱-۳۲۰۲۵۶۷

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادات ۳۰۰۸۰۲۲۲۲

حق چاپ محفوظ است.



پیشگفتار

۷

فصل اول: امام زمان علیه السلام کیست؟

۹

امام زمان علیه السلام در آینه آیات و روایات
ویژگی‌های مهدی موعود

فصل دوم: اعتقاد به مهدویت

۱۷

نتیجه اعتقاد به مهدویت
دلیل تهاجم به اعتقاد به مهدویت
خرافات؛ تهدیدکننده عقیده به مهدویت

فصل سوم: انتظار فرج

۲۹

مفهوم واقعی انتظار
مفهوم انتظار فرج
انتظار سازنده
انتظار مخرب

فصل چهارم: وظایف منتظران

۴۳

زمینه‌سازی برای ظهور با عمل به احکام اسلام

فصل پنجم: انقلاب اسلامی و انتظار فرج

۵۷

انقلاب اسلامی؛ مبین مفهوم صحیح انتظار
عاشورایی بودن؛ زمینه‌ساز ظهور ولی مطلق حق
انقلاب اسلامی؛ عامل نزدیک‌تر شدن ظهور
خدمت به انقلاب اسلامی؛ مصداق انتظار ظهور
زمینه آماده؛ از ملزومات ظهور ولی عصر علیه السلام
نقش انقلاب اسلامی در تسریع ظهور



انقلاب اسلامی؛ نمونه کوچکی از انقلاب مهدوی
حکومت جهانی ولی عصر علیه السلام؛ معیار عملی جمهوری اسلامی

فصل ششم: ویژگی های دوران ظهور

۶۷

مقصد نهایی کاروان بشری
عدالت؛ برجسته ترین شعار مهدویت
ارتقای سطح اندیشه و علم در بین عموم جامعه
از بین رفتن همه اختلافات
هدایت همگانی
مردم سالاری در حکومت امام زمان علیه السلام

فصل هفتم: برداشت های انحرافی از فرج

۷۷

برداشت های انحرافی از انتظار فرج

فصل هشتم: ولایت فقیه؛ نیابت امام زمان علیه السلام

۸۳

آیین ولایت مداری در عصر غیبت
ولی فقیه؛ نایب امام زمان علیه السلام در عصر غیبت
وظیفه ولی فقیه

کتابنامه

۸۸

مسابقه فرهنگی

۹۱





پیشگفتار

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾^۱

مطلع الفجر لیلی نورانی قدر، بستر نزول ملائکه مقربی است که حامل سلام پروردگار بر ولی مطلق عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) هستند. در این لحظات، زمین از تفاخر به آسمان‌ها در خود نمی‌گنجد و آسمان‌ها بزرگ‌راه «فرش تا عرش» می‌شوند. انتساب این لحظات به وجود قدسی «ولی الله الاعظم»، مهدی موعود علیه السلام فرصتی است دیگر، برای تأمل در آداب انتظار آن عزیز منتظر و چه زیباست بازخوانی آیین انتظار در کلام ارزشمند نائبان وارسته آن حضرت، یعنی امام راحل قدس سره و امام خامنه‌ای مد ظله العالی.

این مجموعه که حاوی سخنان این دو عالم فرزانه درباره وجود مطهر امام زمان (ارواح من سواه فداه) است، به سفارش معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی تدوین و چاپ شده است. امید که مقبول آن حضرت قرار گیرد!

معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

الله أكبر



در انتظار
عظمت

فصل اول

۹

امام زمان
علیہ السلام
کیستے؟

در روایات ما، بیش از صد آیه از قرآن کریم به مصلح کل، حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) تفسیر شده است. بسیاری از علمای بزرگ شیعه نیز کتاب‌هایی را در این باره نگاشته‌اند؛ از جمله عالم جلیل‌القدر سیدهاشم بحرانی، در المحجة فیما نزل فی القائم الحجة (عج) به ۱۲۰ آیه از قرآن کریم اشاره کرده‌اند که این آیات، به استناد احادیث وارده از معصومان (عج) به ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) تفسیر شده است.

علامه محمدباقر مجلسی (رحمته) در دائرةالمعارف بزرگ شیعه، یعنی کتاب ارزشمند بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ۷۰ آیه کریمه را با استناد به احادیث اهل بیت عصمت و طهارت (عج) به آن وجود مطهر نسبت داده‌اند. محقق بزرگوار، علی اکبر مهدی پور نیز در کتاب سیمای امام زمان (عج) در آینه قرآن، بیش از ۱۴۰ آیه از آیات قرآن کریم را جمع‌آوری کرده‌اند که در روایات فریقین (شیعه و سنی) به ظهور قبله موعود تفسیر شده است.

در اینجا به نقل تعدادی از این آیات بسنده می‌کنیم:

«هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ...»^۱ (هدایت برای پرهیزکاران است: آنان که به غیب ایمان آوردند و ...)

طبق احادیث فراوان، منظور از غیب در این آیه، امام غائب (عج) است. امام صادق (عج) در تفسیر این آیه کریمه فرموده‌اند: «پرهیزکاران» شیعیان علی (عج) هستند و «غیب» حجت غائب است ...»^۲

جابر بن عبد الله انصاری در ضمن روایتی طولانی که در آن از دوازده پیشوای معصوم و قائم آن‌ها بحث شده است، از رسول اکرم (ص) چنین نقل کرده است: «خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او شکیبایی پیشه کنند و بر محبت آن‌ها [یعنی اهل بیت (عج)] استوار بمانند چرا که آن‌ها را خداوند متعال در آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» ستوده است.»^۳

۱. بقره، ۲ و ۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲؛ محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۰.

۳. سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۲۴: «طوبی للضّّایرین فی غیبتِهِ ...»





«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱ (گذشته از ذکر (تورات) در زبور نیز نوشتیم که به راستی زمین را بندگان شایسته ام به ارث می‌برند).

بر اساس فرمایش امام باقر و امام صادق (علیه السلام) در این آیه شریفه، منظور از بندگان صالحی که حکومت بر زمین را به ارث می‌برند، حضرت قائم (ارواح‌نفاذ) و یاران آن حضرت هستند.^۲

جالب است که متن این بشارت، در زبور فعلی هم موجود است.

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳ (اگر مؤمن باشید، آنچه از خدا در میان شما باقی مانده است، برایتان بهتر است).

مطابق روایات فراوان، هنگامی که حضرت بقیه الله (علیه السلام) ظهور می‌کنند، به دیوار کعبه تکیه می‌دهند و نخستین کلامی که به زبان می‌آورند، این آیه شریفه است؛ آنگاه همه افرادی که در آنجا گرد آمده‌اند، با عبارت «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ» به پیشگاه آن حضرت عرض ادب می‌کنند.^۴

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۵ (و ما اراده کرده‌ایم به آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند، منت نهاده و آن‌ها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم).

طبق روایاتی بی‌شمار، این آیه درباره مصلح جهان، حضرت بقیه الله (علیه السلام) نازل شده است که در آخر الزمان قیام کرده، بساط ننگین ظلم و بیدادگری را درهم خواهد پیچید، پرچم عدالت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در خواهد آورد و به تک‌تازِ فرعونیان خاتمه خواهد داد.^۶

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. فضل بن حسن طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۲؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷.

۳. هود، ۸۶.

۴. مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار (علیهم السلام)، ص ۳۴۹؛ محمد محسن کاشانی (ملا محسن فیض کاشانی)، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۵. قصص، ۵.

۶. سید هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۴؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة لذوی القربی، ص ۲۷۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

ویژگی های مهدی موعود

۱. امتداد سلسله پیامبران

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وجود مقدس حضرت بقیه الله (ارواحناfade) استمرار حرکت نبوت ها و دعوت های الهی است، از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همان طور که در دعای ندبه می خوانید: از «فَبَعْضُ أَشْكَتَهُ جَنَّكَ»^۱ که حضرت آدم است، تا «إِلَى أَنْ أَتَتْهُنَّ بِالْأَمْرِ»^۲ که رسیدن به خاتم الانبیا ﷺ است و بعد، مسئله وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا می رسد به امام زمان، [این ها] همه یک سلسله متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است.

این بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت ها، آن دعوت الهی به وسیله پیامبران، در هیچ نقطه ای متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هرچه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیک تر شده است. امروز جامعه بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را که ده ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود، درک کرده است. همین مسئله عدالت، مسئله آزادی، مسئله کرامت انسان، این حرف هایی که امروز در دنیا رایج است، حرف های انبیاست. آن روز، عامه مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمی کردند. پی در پی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است.

آن داعیان الهی، امروز سلسله شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیه الله الاعظم (ارواحناfade) ادامه سلسله داعیان الهی است که در زیارت آل یاسین می خوانید: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ»^۳ یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیه الله مجسم می بینید. این بزرگوار، وارث همه آن هاست و دعوت

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۹۵؛ محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری (ابن مشهدی)، المزار الکبیر، ص ۵۷۴.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۹۵؛ محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری (ابن مشهدی)، المزار الکبیر، ص ۵۷۵.

۳. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۳.





و پرچم همه آن‌ها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا می‌خواند. این نکته مهمی است.^۱

۲. خورشید فروزان تاریخ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: سلسله انبیا پاک‌ترین و مقدس‌ترین و نورانی‌ترین انسان‌های تمام تاریخ بوده‌اند. در میان انسان‌های پاک و انسان‌های والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند، وجود مقدس خاتم‌الانبیا، محمد مصطفی ﷺ سرآمد همه و خاندان پاک و اهل بیت مطهر او که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است، در شمار برترین و بالاترین انسان‌های پاک و مطهر و نورانی در همه تاریخ‌اند. زنی مثل فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در همه تاریخ، کیست؟! انسانی مثل علی مرتضی در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده می‌شود؟! سلسله اهل بیت نبی اکرم در طول تاریخ، خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»^۲

خاندان پیغمبر معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همه نیکی‌ها و زیبایی‌ها و درخشندگی‌های وجود آدمی در هر عصر و عهده بوده‌اند: هریک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند.

... یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان «بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۳ به عنوان «حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ»^۴ به عنوان «صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین» وجود دارد. برکات وجود او و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعف‌ها، گمراهی‌ها و گرفتاری‌هایش، از انوار تابناک

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۹ شهریور ۱۳۸۴.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۹۷؛ محمد بن جعفر بن المشهدی الحائری (ابن مشهدی)، المزار الکبیر، ص ۵۷۹.

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۴.

۴. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۲.

این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده می‌کند.^۱

۳. مظهر صفات و اسماء الهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: درباره برکات این میلاد معظم و حقایقی که در باب وجود اقدس ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) هست، من قادر نیستم سخن تازه‌ای بگویم. درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه خدا و مظهر صفات و اسماء الهی، در حد زبان و بیان و قلب و فهمی همچون من قاصر نیست. خود آن‌ها [اهل بیت علیهم السلام] باید درباره امام زمان سخن بگویند؛ همچنان که خود آن‌ها باید درباره علی بن ابی طالب (علیه الصلوة والسلام) و بقیه اولیا و اصفیای دین سخن بگویند.

ما همین قدر می‌دانیم که وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده الهی است. همین قدر می‌دانیم که این بازمانده خاندان وحی و رسالت، عَلم سرافراز خدا در زمین است: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ».^۲

او وعده الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌ای از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان خداست. او نمایشگر «مبلغ فضل الهی»^۳ بر بنی آدم است. این‌ها چیزهایی است که خود آنان بیان فرموده‌اند. اگر ما بتوانیم در حد فهم قاصر و ناقص خودمان، رَشحاتی از این گفته‌ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی بُرد کرده‌ایم!^۴

۴. سرّ لیلۃ القدر

اِنْ شِئْتَ: اگر سرّ لیلۃ القدر و سرّ نزول ملائکه در شب‌های قدر که الان هم برای ولی الله اعظم، حضرت صاحب (سلام الله علیه)، این معنا امتداد دارد، سرّ این‌ها را ما بدانیم، همه مشکلات ما آسان می‌شود. تمام مشکلاتی که ما

۱. بیانات در دیدار با جمعی از بسیجیان، ۳ آذر ۱۳۷۸.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۳.

۳. منظور عالی‌ترین سطح عنایت خداوند است.

۴. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۶۹.





داریم، برای این است که ما محجوبیم از اینکه واقعیت را آن طور که هست و نظام هستی را به آن طوری که تنظیم شده است، مشاهده کنیم.^۱

۵. انسان کامل

«خُشِنِي: ﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾^۲ «عصر» انسان کامل است، امام زمان (سلام الله علیه) است، یعنی عصاره همه موجودات. قسم به عصاره همه موجودات، یعنی قسم به انسان کامل.^۳



۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸۶.

۲. عصر، ۱ و ۲.

۳. سیدروح الله موسوی خمینی، تفسیر سوره حمد، ص ۲۳۶؛ به نقل از:



در انتظام

فصل دوم

۱۷

اعتقاد بہ مکدویت

نتیجه اعتقاد به مهدویت

پیغمبر ﷺ: در قضیه ولادت آن بزرگوار و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در دو ناحیه و در دو جهت جست و جو کند، آثار عظیمی را مشاهده می کند.^۱

۱. نتایج معنوی و روحی

پیغمبر ﷺ: اول، از جهت معنوی و روحی و تقرب الی الله و جهات تکامل فردی انسان است. کسی که اعتقاد به این مسئله دارد، چون با مرکز تفصّلات الهی و نقطه اصلی و کانون اشعاع رحمت حق، رابطه ای روحی برقرار می کند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب الی الله دارد. به همین خاطر است که اهل معنا و باطن، در توسلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار می دهند و به آن حضرت توسل می جویند و توجه می کنند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می دهد و وسیله پیشرفت انسان را روحاً و معنأ فراهم می کند.

این یک میدان وسیع است. هر کس که در باطن و قلب و دل و جان خود با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد؛ البته، توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد. لقلقه زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد. اگر انسان روحاً متوجه و متوسل شد و معرفت کافی برای خود به وجود آورد، بهره خودش را خواهد برد. این، یک میدان فردی و تکامل شخصی و معنوی است.^۲

۲. نتایج اجتماعی

پیغمبر ﷺ: جهت و وجهه دوم عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آنچه مربوط به سرنوشت بشر و ملت هاست. در این زمینه، اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت ها می توانند از آن، بهره های فراوانی ببرند. شما کشتی ای را در یک دریای توفانی فرض کنید. اگر کسانی که در

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۷ دی ۱۳۷۴.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۷ دی ۱۳۷۴.





این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطرافشان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکتِ اندکی داشته باشند، چه کار می‌کنند؟ آیا هیچ تصور می‌شود که این‌ها برای آنکه حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟! امید و افقی وجود ندارد.

یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند، این است که در این مجموعه کوچک، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن‌کسی که اهل آرام‌مردن است، بخواهد تا بمیرد و آن‌که اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آنکه چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی‌شان ساحلی وجود دارد. اینکه آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ اما قطعاً ساحلی که در دسترس آن‌هاست، وجود دارد. این افراد چه کار می‌کنند؟ تلاش می‌کنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آن‌ها وقت داده شود، از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت‌دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید چنین نقشی دارد. همین‌قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بال‌های خود را جمع می‌کند و کنار می‌رود. امید موجب می‌شود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملتی در زیر سلطهٔ ظالمانهٔ قدرت مسلطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملت مجبور است تسلیم شود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی‌جهتی انجام می‌دهد. اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، چه می‌کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن را برطرف خواهند کرد.

...عقیده به امام‌زمان نمی‌گذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دل‌ها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می‌شود. امام بزرگوار و



عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه خلایق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده [است]، اما حضور دارد. مگر می شود حضور نداشته باشد؟! مؤمن این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش حس می کند. آن مردمی که می نشینند، رازونیاز می کنند، دعای ندبه را با توجه می خوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه می کنند و می نالند، می فهمند چه می گویند. آن ها حضور این بزرگوار را حس می کنند؛ ولو هنوز ظاهر نشده [است] و غایب است. غیبت او به احساس حضورش ضرری نمی زند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دل ها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر می شود حضور نداشته باشد؟!

شیعه خوب کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این به انسان امید و نشاط می بخشد. این ملت بزرگ، بیش از همه چیز به همین امید نیاز دارد. ملتی که در راه خدا و برای عظمت اسلام، مجاهدت و مبارزه می کند و افتخار طول تاریخ بشر و همه تاریخ اسلام شده و پرچم اسلام را در زمان ما به اهتزاز در آورده است، چنین ملتی، بیشتر از همه چیز، به همین امید درخشان احتیاج دارد. آن اعتقاد، این امید را به او می بخشد.

...ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده نشینان غیب در ارتباط است، ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی شود و با این حرف ها از میدان خارج نمی گردد. این خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی (علیه آلاف التحية والثناء) است. عقیده به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست.^۱

جامعه ای که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا می کند. این قوت قلب برای ملت ها خیلی مهم است. بدانید تسلط استعمار بر کشورهای اسلامی، بعد از آن بود که توی دل ملت ها را خالی کردند. آن ها احساس ضعف کردند، احساس عدم توانایی کردند؛ بعد این ها آمدند و با قدرت بر آن ها مسلط شدند.

امروز هم همین جور است. ما در روابط سیاسی و دیپلماتی دنیا داریم



جلوی چشمان می‌بینیم که یکی از بزرگ‌ترین شگردهای استکبار جهانی این است که می‌خواهد دل مسئولان کشورهای گوناگون را، حالا در کشورهای اسلامی، خالی کند و احساس بی‌پشتوانگی به آن‌ها تزریق کند تا آن‌ها احساس کنند که چاره‌ای ندارند، جز اینکه زیر بار مثلاً آمریکا بروند. این احساس ضعف، بلای بزرگی است. ملت‌ها حرکت نمی‌کنند؛ چون احساس ضعف می‌کنند. ملت فلسطین ده‌ها سال ساکت و آرام نشسته بود؛ چون احساس می‌کرد نمی‌تواند. آن روزی که فکر توانستن در ملت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام، این همه موفقیت را به دست آورده است. رنج می‌برد؛ اما دارد پیش می‌رود.

فرق است بین ملتی که حرکتی نمی‌کند، سیلی هم نمی‌خورد؛ اما روزبه‌روز عقب می‌نشیند، روزبه‌روز بدبخت‌تر و زیردست‌تر می‌شود، دلش هم خوش است که من سیلی نمی‌خورم، با آن ملتی که سختی راه را تحمل می‌کند، پایش به سنگ می‌خورد، خونی هم می‌شود؛ اما در راه به سمت موفقیت، به سمت سرمنزل سعادت، به سمت عزت پیش می‌رود. ملت فلسطین امید پیدا کرد؛ حالا حرکت می‌کند و جلو می‌رود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث می‌شود که درهای فرج به روی آن‌ها باز باشد و راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا ان شاء الله به هدف نهایی‌شان برسند.

احساس ضعف برای یک ملت، خیلی احساس خطرناک و سم مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می‌کند، احساس قوّت قلب می‌کند، احساس قدرت می‌کند و ملت ما بحمدالله این‌گونه است.

ما در جبهه‌های جنگ هم جوان‌های خودمان را می‌دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولیّ عصر (ارواح‌افاده) اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوّت قلب هم استفاده می‌کردند و توانایی مضاعف پیدا می‌کردند و پیش می‌رفتند.

البته اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد: ﴿وَمَا جَعَلَ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ

قُلُوبُكُمْ بِهِ^۱ کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش‌های سیاسی و در ایستادگی ملت‌هاست که به سراغ انسان می‌آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.^۲

دلیل تهاجم به اعتقاد به مهدویت

عظیم‌القدر: همه عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. برادران و خواهران عزیز، این نکته بسیار مهمی است. توجه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم!

... در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود، یعنی اینکه در آخرالزمان، از خاندان پیامبر، شخصی ظهور می‌کند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پُر می‌سازد و تبعیض‌ها، ظلم‌ها، سوءاستفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین می‌برد نیز خیلی کار کرده‌اند.

این عقیده که همه مسلمانان هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فرق، حرف‌های دیگری دارند؛ اما اصل اینکه چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»^۳ بین مسلمانان متواتر است. همه این را قبول دارند. خب این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشاست که من مختصری راجع به آن عرض خواهم کرد. به دلیل همین که کارگشاست، دشمنان از یک طرف و البته دوستان نادان هم از طرف دیگر بر آن می‌تازند. گاهی دوستان نادان، از روی نادانی و بر اثر بی‌توجهی، کاری می‌کنند که هیچ دشمن دانایی به آن خوبی نمی‌تواند ضربه بزند!

حال بحث ما در مورد دشمنان داناست که سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به ده‌ها سال قبل، یعنی اوایل ورود استعمار به شمال آفریقا است. کشورهای شمال آفریقا گرایش بسیاری به اهل بیت دارند. مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست، باشد؛ اما محب

۱. آل عمران، ۱۲۶.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۹ شهریور ۱۳۸۴.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۳۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۱۲۶.





اهل بیت‌اند. در کشورهای سودان و مغرب و غیره، عقیده به مهدویت خیلی پُررنگ است. آن زمان که استعمار وارد مناطق مذکور شد که ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است، یکی از مسائلی که مزاحم استعمار شد، عقیده به مهدویت بود!

در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می‌کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، به تدریج از بین مردم زایل شود! آن روز، استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در بعضی کشورهای آن مناطق افریقایی بودند، فرقی نمی‌کند که استعمار از کجا باشد، استعماران خارجی قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است، ما نمی‌توانیم کشورهايشان را درست در اختیار گیریم!

...چند خصوصیت در عقیده مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملتی، به منزله خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی امید است. گاهی اوقات، دست‌های قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند [و] می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است! با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمی‌توانیم! این، روح ناامیدی است. استعمار این را می‌خواهد. امروز، استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: «دیگر نمی‌شود کاری کرد! دیگر فایده‌ای ندارد!»

...می‌خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می‌بینیم که اغلب خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مایوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مایوس کنند، متدینین را از گسترش دین مایوس کنند، آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی یا کار فرهنگی مایوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تار جلوه دهند! برای چه؟ برای اینکه جوشش و امید را از این مجموعه انسانی که با امید کار می‌کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که

مایل‌اند، انجام دهند! با یک ملت زنده که نمی‌توانند هرکاری بخواهند، انجام دهند. به یک جسم بی‌هوشِ مدهوشِ بی‌حسی که کنجی افتاده است، هرکس هرچه دلش خواست، می‌تواند تزریق کند، با آن هرکاری می‌توانند بکنند؛ اما با یک موجود سرحالِ زندهٔ باهوشِ متحرک فعال که نمی‌توانند هرکاری را انجام دهند!

...امروز هر نقّسی و هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید، بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است: چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده می‌کند.

...آن وقت اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود(ارواح‌ناده) امید را در دل‌ها زنده می‌کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود. چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد [که] بُرو برگرد ندارد. سعی می‌کند که خودش را به آن برساند.^۱

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان‌زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان و ستمگران و قوی‌دستان و مسلّطین بر امور انسان‌های مظلوم بوده است. امید موجب می‌شود که انسان به مبارزه پردازد و راه را باز کند و پیش برود. وقتی به شما می‌گویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان می‌دهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا می‌کند! این، نقش اعتقاد به امام‌زمان(صلوات الله علیه و ارواح‌ناده) است. این، نقش اعتقاد به مهدی موعود است. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ‌وخم‌های عجیب و غریبی که در سیر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله پرچم عزت و سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعهٔ ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد.

به همین خاطر، یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آن، این بوده است که عقیدهٔ امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. بارها خواسته‌اند این چراغ را خاموش کنند؛ ولی نتوانسته‌اند. ما می‌دانیم که

۱. بیانات در دیدار با اқشار مختلف مردم، ۲۵ آذر ۱۳۷۶.





استعمار و استکبار، چه تلاشی را در این جهت، نه فقط در ایران، بلکه در سطح دنیای اسلام انجام داده است تا این چراغ را خاموش کند.

...در گزارش بسیار مهمی که مربوط به سال‌ها قبل است و جدید نیست، تلاش گروه‌های تبلیغی مسیحیت که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام می‌شدند تا جادهٔ استعمار را در آنجا صاف کنند، نشان داده شده بود. یکی از غصه‌های دین‌داران دنیا این است که قدرتمندان مسلط بر کشورهای مسیحی، تبلیغ علی‌الظاهر دین مسیح در سطح دنیا را وسیله‌ای برای پیش‌بردن ماشین استعمار قرار دادند و این‌ها جاده‌صاف‌کن استعمار شدند. گروه‌های تبلیغی و به اصطلاح تبشیری را به عنوان تبلیغ مسیحیت که ظاهرش تبلیغ مسیحیت بود، اما باطنی قضیه این بود که راه را باز کنند تا استعمارگران اروپایی از کشورهای مختلف اروپای آن‌روز، وارد کشورهای اسلامی شوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند، [آن‌ها را] به اطراف دنیا فرستادند و متأسفانه در بسیاری از جاها هم موفق شدند.

این گزارش، مربوط به گروه‌های تبلیغی در شمال آفریقا است. گزارشگر می‌نویسد: «یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا و منطقهٔ تونس و مغرب این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سر بلند خواهد کرد.» گزارشگر این را در گزارش رسمی خود می‌نویسد و برای هیئتی که مسئول رسیدگی به این کارهاست، می‌فرستد.

بنابراین، نفَس اعتقاد به مهدی موعود، باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار شده بود؛ در حالی که اعتقادی که برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح اعتقادی که ما امروز در اینجا داریم، نیست؛ بلکه بیشتر، ابهامات و کلی‌گویی وجود دارد تا تعیین مصداق و مورد و نام و خصوصیات؛ در عین حال، استعمارگران از این امید ترسیدند.

...در همین کشور خود ما، یکی از بزرگان علما و روحانیون ... برای من نقل می‌کردند که در اوایل روی کار آمدن رژیم منحوس و فاسد و وابستهٔ پهلوی، آن کودتاگر بی‌سوادِ فاقدِ هرگونه معرفت و معنویت^۱، یکی از آخوندهای وابسته به دربار را صدا کرد و از او پرسید: «این قضیهٔ امام‌زمان چیست که چنین مشکلاتی برای ما درست کرده است؟!» آن آخوند هم

۱. منظور رضاشاه است.

بر طبق دل و میل او جوابی می‌گوید و آن قلدر هم مأموریت می‌دهد که بروید مسئله را حل و تمام کنید و این اعتقاد را از دل مردم بیرون بیاورید! او می‌گوید: «این کار آسان نیست و خیلی مشکلات دارد و باید کم‌کم و با مقدمات شروع کنیم»؛ البته آن مقدمات به فضل پروردگار و با هوشیاری علمای ربانی و آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند و نتوانستند آن نقشه شوم را عملی کنند. در کشور ما، یک کودتای غاصب، از طرف دستگاه‌های قدرت استعماری مأموریت داشت که بیاید ایران را قبضه کند و کشور را دودستی تحویل دشمن دهد و برای آنکه بتواند بر این مردم مسلط شود، یکی از مقدمات لازمش این بود که عقیده به مهدی موعود را از ذهن مردم پاک کند.^۱

خرافات؛ تهدیدکننده عقیده به مهدویت

مفسر قرآن: البته مثل همه حقایق که در برهه‌های مختلفی از زمان، ملعبه دست سودجویان می‌شود، این حقیقت [مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی (سلام‌الله‌علیه)] هم گاهی ملعبه دست سودجویان می‌شود. این کسانی که ادعاهای خلاف واقع می‌کنند، ادعای رؤیت، ادعای تشریف حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز که حقیقتاً ادعاهای شرم‌آوری است، این‌ها همان پیرایه‌های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسان‌های پاک‌نهاد ممکن است مشوّب کند.

... همه آحاد مردم توجه داشته باشند این ادعاهای اتصال و ارتباط و تشریف به حضرت و دستورگرفتن از آن بزرگوار، هیچ‌کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسان‌های باارزشی که یک لحظه عمر آن‌ها ارزش دارد به روزها و ماه‌ها و سال‌های عمر امثال ما، چنین ادعاهایی نکردند. ممکن است یک انسان سعادت‌مندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود؛ اما یک چنین کسانی اهل ادعا نیستند، اهل گفتن نیستند، اهل دکان‌داری نیستند. این کسانی که دکان‌داری می‌کنند به این وسیله، انسان می‌تواند به طور قطع

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۷ دی ۱۳۷۴.





و یقین بگوید این‌ها دروغ‌گو هستند، مُفَتّری هستند. این عقیده روشن و تابناک را بایستی از این آفت اعتقادی دور نگه داشت.^۱

در مبارزه با خرافات شجاع باشید. البته خرافه چیست؟ خود این مهم است. بعضی‌ها هستند که حقایق دینی را هم به‌عنوان خرافه انکار می‌کنند. ما کاری با آن‌ها نداریم. آنچه که با کتاب و سنّت مُتَقَن و معتبر ثابت شده [است]، از دین است؛ چه حالا عقول بپسندند یا نپسندند. از این حمایت و دفاع کنید. آنچه که با دلیل معتبر ثابت نشده است و با مبانی و اصول دینی معارضه ندارد، درباره آن ساکت بمانید. آنچه که با یکی از اصول دینی معارضه دارد و مدرک معتبری ندارد، ردش کنید. این می‌شود خرافه و معیار خرافه این است.

امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام‌زمان و ارتباط با غیب، با شکل‌های مختلف در جامعه دارند کار می‌کنند؛ البته این همه، نشانه این است که گرایش به دین، یک عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دینی علاقه دارند که آدم خرافه‌ساز می‌رود خرافه درست می‌کند: چون آن کالای اصلی در اختیارش نیست، کالای تقلبی را به میدان می‌آورد تا اینکه مردم را جذب کند. این نشانه گرایش مردم به دین است؛ اما خب این خطرناک است. در مقابله با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکند، نکنید که غالباً در مواردی انسان متأسفانه می‌بیند که این مراعات‌ها هست.^۲

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۷ مرداد ۱۳۸۷.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون، ۱۷ آبان ۱۳۸۵.



دانش پژوهان



فصل سوم

۲۹

انتظار فرج

مفهوم واقعی انتظار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: مسئله انتظار هم که جزء لاینفک مسئله مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است ...

انتظار یعنی تَرْقُب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است بودن. این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده، حتمی و قطعی است، به خصوص انتظار یک موجود حی و حاضر. این خیلی مسئله مهمی است. این جور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه؛ کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند؛ منتها نمی‌شناسند.^۱ در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران [حضرت] او را می‌دیدند، بین آن‌ها بود، در کنار آن‌ها بود، روی فرش آن‌ها راه می‌رفت؛ ولی [او را] نمی‌شناختند.^۲ یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای [است]! این کمک می‌کند به معنای انتظار. این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. این انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ^۳ مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود است. بدانیم که یک حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمی‌شود گفت که حالا سال‌ها یا مدت‌ها مانده است که این اتفاق بیفتد. هیچ وقت هم نمی‌شود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود. همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۴۰؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۳. انبیاء، ۱۰۵ و ۱۰۶.





صورتی، به آن هیئت و خُلُقِ نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خُلُق و آن شکل و آن هیئت متوقّع است. این لازمه انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر، عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد، یک چنین دورانی قرار است باشد، ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم: خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده عدل کنیم، آماده پذیرش حق کنیم. انتظار، یک چنین حالتی را به وجود می آورد.^۱

انتظاری که از آن سخن گفته اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم.^۲

مفهوم انتظار فرج

پیغمبر اعظم (ص): انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده ای است. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی اینکه بشریت اگر می بیند که طواغیت عالم تُرک تازی می کنند و چپاولگری می کنند و افسارگسیخته به حق انسان ها تعدی می کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره ای نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد! نه، بداند که این وضعیت، یک وضعیت گذراست: «لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ»^۳ و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است؛ لیکن انتظار فرج مصداق های دیگر هم دارد.^۴

فرج یعنی بازشدن... گره ها. دید را وسیع کنیم: به داخل خانه خودمان و زندگی معمولی خودمان محدود نشویم. در سطح دنیا، انسانیت فرج می طلبد؛ اما راه فرج را نمی داند. شما ملت انقلابی مسلمان باید با حرکت

۱. بیانات دردیداربا استادان و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۸ تیر ۱۳۹۰.

۲. بیانات دردیداربا اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۴۴.

۴. بیانات دردیداربا اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۹ شهریور ۱۳۸۴.



منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود و انقلاب نهایی اسلامی بشریت که سطح عالم را خواهد گرفت و همه این گره‌ها را باز خواهد کرد، قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است.

...انتظار فرج یعنی انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نیستید؛ حتی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید، قانع نیستید [و] می‌خواهید باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام نزدیک‌تر بشوید. این انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی انتظار گشایش از کار انسانیت.^۱

ما برای استقرار قسط و عدل، قیام و تلاش کرده‌ایم و باز هم این ملت در همین راه تلاش خواهد کرد. حرکتی که برای قسط و عدل است، بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد. در این، شکی نیست. دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می‌کند و معنای امام‌زمان و انتظار فرج همین است.^۲

اینکه در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت انتظار فرج است،^۳ یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواح‌نفاذه)، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟!... انتظار ابعاد گوناگون... دارد.^۴

۱. قانع نشدن به وضع موجود

«بِعَظْمِ الْعَظَمَةِ»: یک بُعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام داده‌ایم و به وجود آمده [است]، کم و غیرکافی است و منتظریم تا ظرفیت نیکی عالم پر بشود.^۵

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه دانشگاه تهران، ۲۹ خرداد ۱۳۶۰؛ به نقل از کتابخانه دیجیتال تبیان.

۲. بیانات در دیدار با مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر، ۱۸ بهمن ۱۳۷۱.

۳. «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۲۰۷).

۴. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۶۹.

۵. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۶۹.



انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر، بر زندگی انسانیت حاکم شده است.

...انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجة بن الحسن، مهدی صاحب زمان (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه واروا حنافته) تحقق پیدا خواهد کرد.

...امروز شما به اوضاع دنیا نگاه کنید. همان چیزی که در روایات مربوط به ظهور ولی عصر (اروا حنافته) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است: پرشدن دنیا از ظلم و جور. امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت [ها] و ادعیه گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر (اروا حنافته) دارد که: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۱ [یعنی] همچنانی که یک‌روزی همه عالم از ظلم و جور پر بوده است [و] در روزگاری ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است، همان طور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد. امروز همین [طور] است: امروز ظلم و جور، حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز، زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه دنیا است. در همه جا این جور است. بشریت امروز بر اثر غلبه ظلم [و] غلبه اغراض و هواهای نفسانی، دچار مشکلات فراوان اند. دومیلیارد گرسنه در دنیای امروز؛ وجود میلیون‌ها انسانی که در نظام‌های طاغوتی، مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند؛ حتی فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله و مبارزان راه حق و ملتی مثل ملت ایران که توانسته است در یک مجموعه محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل الله، همه نشانه سیطره ظلم و جور بر دنیا است. این، انتظار فرج را با وضعیت کنونی زندگی انسان در دوره‌های مختلف معنا می‌کند.

...امروز ما انتظار فرج داریم؛ یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه ظلم و جور را که همه بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسان‌ها بوزاند تا انسان‌ها احساس عدالت کنند.

۱. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۵۶۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶،



این نیازِ همیشگیِ یک انسان زنده و یک انسان آگاه است: انسانی که سر در پیلهٔ خود نکرده باشد [و] به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به‌طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است.

... یک نکته در باب مسئلهٔ مهدویت این است که شما در آثار اسلامی، در آثار شیعی، می‌بینید که از انتظار ظهور حضرت مهدی تعبیر شده است به انتظار فرج. فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کئی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی‌ای وجود داشته باشد، وقتی گره‌ای هست، وقتی مشکلی هست. در زمینهٔ وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا می‌کند به فرج، یعنی سرانگشتِ گره‌گشا، بازکنندهٔ عقده‌های فرو بسته. این نکتهٔ مهمی است.

... معنای انتظار فرج، به‌عنوان عبارةٔ آخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت، گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئلهٔ گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام‌زمان (علیه‌الصلاة والسلام) برای اینکه فرج برای همهٔ بشریت به‌وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد، جامعهٔ بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آیندهٔ بشر را نجات بدهد.

این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد، این نظم بشری غیر عادلانه: این نظم بشری‌ای که در آن، انسان‌های بی‌شماری مظلوم واقع می‌شوند، دل‌های بی‌شماری گمراه می‌شوند، انسان‌های بی‌شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمی‌کنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام‌زمان است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است.^۱

یکی از خصوصیاتِ انتظار گنجانده شده است، این است

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمهٔ شعبان، ۲۷ مرداد ۱۳۸۷.



که انسان به وضع موجود، به اندازه پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد [و] بخواهد روز به روز این پیشرفت را، این تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود [و] در جامعه بیشتر کند. این ها لوازم انتظار است.^۱

۲. دلگرمی به آینده جهان

پیغمبر اعظم (ص): یک بعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکر الهی، این اندیشه روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت.^۲

انتظار یکی از پربهرکت ترین حالات انسان است، آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»^۳ [یعنی] خدای متعال به دست او سرزمین بشری و همه روی زمین را از عدالت و داد گستری پُر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرف شیطان ها و ظلم و عُدوان طواغیت عالم، شعله امید را در دل خاموش کند. باید انتظار کشید!

...انتظار چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی می باشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است. همین روح انتظار است که به انسان تعلیم می دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد. انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد ملازم است. کسی که شما می دانید خواهد آمد، انتظارش را می کشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد لازمه انتظار است و این هردو، ملازم با امید است و امروز، این امید امری لازم برای همه ملت ها و مردم دنیا می باشد.^۴

همه مسلمانان، حقیقت مهدی موعود را از طریق روایات خدشه ناپذیری

۲. بیانات در دیدار با استادان و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۸ تیر ۱۳۹۰.

۳. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۶۹.

۴. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۵۶۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶.

۵. بیانات به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۲ اسفند ۱۳۶۸.



که از نبی اکرم ﷺ و اولیای دین رسیده است، قبول دارند؛ اما این حقیقت در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهرهٔ درخشان و این روح پُرتپش و پُرامید را ندارد. این به خاطر آن است که ما به برکت روایات متواترهٔ خودمان، شخص مهدی موعود را با خصوصیاتش می‌شناسیم. مردم ما ولی الله اعظم و جانشین خدا در زمین و بقیهٔ اهل بیت پیامبر را با نام و خصوصیات می‌شناسند؛ از لحاظ عاطفی و فکری با او ارتباط برقرار می‌کنند؛ به او می‌گویند؛ به او شکوه می‌برند؛ از او می‌خواهند و آن دوران آرمانی [یعنی] دوران حاکمیت ارزش‌های والای الهی بر زندگی بشر را انتظار می‌برند. این انتظار دارای ارزش زیادی است. این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمهٔ امید را از دل‌های منتظران نمی‌زداید و خاموش نمی‌کند. اگر این نقطهٔ امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره‌ای ندارد، جز اینکه به آیندهٔ بشریت بدبین باشد.

این ظلم عظیم مسلط بر عالم، این سلطه‌های ناحق، این زورگویی به ملت‌ها در سطح جهان، این ریختن خون‌های بناحق، این پایمال کردن شریف‌ترین و عزیزترین ارزش‌های انسانی، این دروغ‌ها و تزویرهایی که سردمداران استکبار جهانی هر روز تحویل بشریت می‌دهند، این همه بدی، این همه استثمار و ظلم، انسانی را که چشمهٔ امیدی در دل نداشته باشد، به طور طبیعی مأیوس می‌کند؛ لذاست که شما می‌بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده می‌شوند. نسل جوانی که به سنت‌ها خو نگرفته است و خود را پایبند سنت‌ها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را می‌بیند، ناامید می‌شود؛ لذا به سمت پوچی کشیده می‌شود.

بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی‌اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهواتِ آنی کشیده می‌شوند. این بر اثر یأس است. بسیاری از دانشمندان و نویسندگان و سخن‌گویان بشریت به این حالت دچار می‌شوند؛ اما آن ملتی که به آینده امید دارد، می‌داند که روزگار ظلم و ستم و زورگویی و تجاوز و طغیان و استکبار، با همهٔ حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام‌شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهرهٔ



حق، همهٔ قله‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد. معنای انتظارِ دورانِ امام‌زمان این است.^۱

این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد... یک درس از این درس‌ها، این است که همه بدانند و همه اذعان و باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح و به سمت آفاق روشن است. مستکبران عالم هرچه می‌خواهند، بگویند؛ تظاهر به قدرت‌نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می‌برد، روزبه‌روز در حال افزایش یافتن است. گذشتِ سال‌ها نمی‌تواند این امید را در دل‌ها از بین ببرد یا کم فروغ کند که در آینده که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد، همهٔ آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید. حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین، در این است که همهٔ آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم، هرچه تلاش کرده‌اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند. البته در کار خدا در زمین طفره نیست و کارها بر طبق روال طبیعی انجام می‌گیرد؛ اما طبیعت و فطرت عالم این است که به سمت کمال برود و می‌رود.^۲

۳. تلاش امیدوارانه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: یک بعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار یعنی امید.^۳

حقیقتاً روحیهٔ انتظار و روحیهٔ ارتباط با ولیِّ عصر (ارواح‌نفاذه) و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعهٔ اسلامی است. منتظر فرج هستیم. خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچهٔ فرج است؛ امیدبخش است؛ نیروبخش است؛ از احساس

۱. بیانات در دیدار با مردم قم، ۳۰ بهمن ۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمهٔ شعبان، ۲۲ آبان ۱۳۷۹.

۳. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۶۹.

بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری می‌کند؛ امید می‌دهد؛ خط می‌دهد. مسئله امام زمان (سلام الله علیه) این است.^۱

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزنند، هیچ اصلاحی را وجهه همت خود نکند [و] صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه الصّلاة والسلام) هستیم. اینکه انتظار نیست! انتظار چیست؟ انتظار دست قاهر قدرت مند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسان‌ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند [و] انسان‌ها را بنده واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود. تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است. انتظار سکون نیست. انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست... انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصّلاة والسلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت و او عبارت است از: ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی [و] عبودیت خدا. این معنای انتظار فرج است.^۲

وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید؛ بلکه معنایش این است که هر بن بستى قابل گشوده شدن است. فرج یعنی این: فرج یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن بستى در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان، ناامید دست روی دست بگذارد

۱. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحديث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۲۱ خرداد ۱۳۹۳.

۲. بیانات در دیدار با اқشار مختلف مردم به مناسبت عيد نیمه شعبان، ۲۷ مرداد ۱۳۸۷.





و بنشینند و بگویند دیگر کاری نمی شود کرد! نه! وقتی در نهایتِ زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشیدِ فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاریِ زندگی هم همین فرج متوقع و موردِ انتظار است. این، درسِ امید به همهٔ انسان‌هاست؛ این، درسِ انتظارِ واقعی به همهٔ انسان‌هاست؛ لذا انتظارِ فرج را افضلِ اعمال دانسته‌اند؛^۱ معلوم می‌شود انتظارِ یک عمل است: بی‌عملی نیست.

نباید اشتباه کرد [و] خیال کرد که انتظار یعنی اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظارِ یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویتِ انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همهٔ زمینه‌ها. این، در واقع تفسیرِ این آیاتِ کریمهٔ قرآنی است که [می‌فرماید]: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲ یا ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۳ یعنی هیچ‌وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مأیوس شوند.^۴

انتظار سازنده

۱. عامل جلب توجه حضرت ولّی عصر^{علیه السلام}

امروز هم تکلیفِ عظیمی با ما روبه‌روست؛ یعنی ارایهٔ اسلام به‌صورتی که بتواند ذهن‌ها و دل‌های مردم را اشباع و سیراب کند، استفهام آن‌ها را به‌درستی پاسخ بدهد، ایمان آن‌ها و حضورشان در این میدان را به‌صورت خالصانه و مخلصانه حفظ کند تا ان‌شاءالله کار و مَیْش ما مورد عنایت ولّی عصر (ارواح‌افاده) قرار بگیرد و تأییدات و دعای آن بزرگوار شامل حال ما بشود.^۵

۱. «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۲۰۷).

۲. قصص، ۵.

۳. اعراف، ۱۲۸.

۴. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۹ شهریور ۱۳۸۴.

۵. بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.



۲. ایستادگی و مقاومت؛ عامل تقویت روح انتظار

«بیشتر انتظار»؛ آنچه که برای این ملت اصل است، همان ایستادگی و مقاومت و مبارزه حقیقی است که خدای متعال را خشنود و قلب مقدس ولی عصر (ارواحناfade) را از شما راضی و حالت انتظار آن بزرگوار را در شما تقویت می‌کند و روح مبارک امام را از شما شاد می‌نماید و دشمن را ناکام خواهد کرد.^۱

۳. خودسازی و آگاهی؛ پیش‌زمینه انتظار سازنده

«بیشتر انتظار»؛ ما نباید فکر کنیم که چون امام‌زمان خواهد آمد و دنیا را پراز عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم! نه! به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. شنیده‌اید در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند! این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی، باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد.^۲

انتظار مخرب

۱. پیامد اعتقاد نادرست به مهدویت

«بیشتر انتظار»؛ اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود (ارواحناfade) امید را در دل‌ها زنده می‌کند. هیچ‌وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود.

...البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، می‌کوشند آن را در ذهن‌های مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام‌زمان می‌آید و همه کارها را درست می‌کند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی به یک داروی مخدر

۱. بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۹ آبان ۱۳۷۵.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.



و خواب آور است. امام زمان می آید انجام می دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید.^۱

۲. گوشه گیری؛ تبلیغی نادرست از انتظار

پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله: اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه گیری نیست. جریان های انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ می کردند؛ الان هم در گوشه و کنار تبلیغ می کنند که: «امام زمان می آید و اوضاع را درست می کند. ما امروز دیگر چه کار کنیم؟! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم؟!» این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالم تاب بیاید و روز شود و همه دنیا را روشن کند! خورشید فردا ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد.^۲



۱. بیانات دردیدار با اقشار مختلف مردم، ۲۵ آذر ۱۳۷۶.

۲. بیانات دردیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.



الْعَجَلُ يَا مُؤَلَّيْ بِأَصَاحِبِ الزَّمَانِ

در انتظام

فصل چہارم

۴۳

وظایف منتظران

زمینه‌سازی برای ظهور با عمل به احکام اسلام

پیغمبر ﷺ: قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست. در روایات، «وَاللّٰهُ لَتُمَخَّصَّنَّ» و «وَاللّٰهُ لَتُغَزَبَلْنَ»^۱ است؛ به شدت امتحان می‌شوید؛ فشار داده می‌شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواح‌افاده) روزه‌روز نزدیک‌تر می‌شود؛ این، آن امید بزرگ است.

... ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواح‌افاده) زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «وَاللّٰهُ لَتُمَخَّصَّنَّ» و «وَاللّٰهُ لَتُغَزَبَلْنَ». این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر (ارواح‌افاده) با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید. ملت بزرگ ما این یک قدم را برداشتند.^۲ این زمینه‌ها وقتی آماده شد، آن وقت که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه این وجود دارد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه دل‌های مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت، دیگر، قدرت‌های ستمگر، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های متکی به زور و زور، نتوانند حقیقت را آن‌چنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند، با فشار زور و زور خود، به عقب بنشانند یا مکتوم نگه‌دارند.

شما مردم عزیز، به خصوص شما جوانان، هرچه که در صلاح خود، در

۱. براساس روایتی از ابوبصیر، امام باقر علیه السلام می‌فرمودند: «وَاللّٰهُ لَتُمَيَّزَنَّ وَاللّٰهُ لَتُمَخَّصَّنَّ وَاللّٰهُ لَتُغَزَبَلْنَ» کما یَعَزَّبَلُ الزَّوْاۗءُ مِنَ الْقَمَحِ. (به خدا قسم حتماً تمیز داده می‌شوید و به خدا قسم حتماً امتحان می‌شوید و به خدا قسم حتماً غریبال می‌شوید؛ همان طور که گندم را از زوآن [یعنی دانه‌ای که تلخ و کوچک است و معمولاً در میان گندم می‌روید] غریبال می‌کنند.) (محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی (ابن ابی زینب)، کتاب الغیبة، ص ۲۰۵).

۲. بیانات در دیدار با مردم قم، ۳۰ بهمن ۱۳۷۰.





معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد. این‌ها دست خود ماست. اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان که شهدای ما با فداکردن جان خودشان، آن روز را نزدیک کردند. نسلی که برای انقلاب، آن فداکاری‌ها را کردند، با فداکاری‌های خودشان آن آینده را نزدیک‌تر کردند. هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی و تلاش برای اصلاح جامعه انجام دهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر می‌کنیم.^۱

۱. برقراری رابطه قلبی با امام زمان (عج)

پیغمبر اعظم (ص): ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولی الله اعظم، یکی از برکاتی است که از مشخص بودن مهدی موعود (عج) در عقیده مردم ما ناشی می‌شود. ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی و اینکه کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، شخص مهدی را هم می‌شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می‌دانیم. اگرچه آن شخصیت درخشان و خورشید تابان را در بیرون و محیط زندگی خود نمی‌بینیم و او را تطبیق نمی‌کنیم، اما معرفت به حال او داریم.

... رابطه بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود، یک رابطه دائمی است و چه قدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلباً هم این رابطه را با توجه و توسل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم. طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم (ع) مستند می‌باشد، این رابطه قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دائم در دل انسان زنده نگه می‌دارد.^۲

امام زین العابدین (ع): می‌تواند انسان خودش را تشخیص بدهد که از اولیای شیطان است یا از اولیای خداست. ما خودمان می‌توانیم اعمال خودمان را تشخیص بدهیم. قبل از اینکه این نامه اعمال ما برای پیشگاه خدا و قبل از آن، برای پیشگاه امام زمان (سلام الله علیه) برسد، خودمان باید نظر کنیم به

۱. بیانات دردیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۲ آبان ۱۳۷۹.

۲. بیانات دردیدار با مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۲۲ اسفند ۱۳۶۸.

این نامه اعمالمان؛ یعنی صفحه قلبمان که همه چیز در آن نقش می‌شود، همان صورت نامه اعمال است. خودمان بفهمیم چه کاره هستیم! آیا ما در این کاری که به ما محوّل است، با صداقت، صمیمیت، برای صلاح ملت و برای صلاح اسلام کار می‌کنیم؟ چه من که یک طلبه هستم و کارهای طلبگی می‌کنم و شما... یا آن‌هایی که در میدان جنگ هستند، همه باید خودمان تشخیص بدهیم چه می‌کنیم.^۱

شما الان تکلیف دارید. شما الان تحت نظر هستید؛ تحت نظر خدا هستید، تحت نظر امام‌زمان (سلام‌الله‌علیه) هستید، شما را مراقبت می‌کنند، نامه اعمال شما را به امام‌زمان عرضه می‌دارند. هفته‌ای دو دفعه، به حسب بعضی روایات، عرضه می‌دارند نامه اعمال ما را.^۲ باید متوجه باشید [که] مبادا از این اختیاراتی که حالا پیدا کرده‌اید... به برادران خودتان تعدی کنید!^۳

خلاف ما برای امام‌زمان سرشکستگی دارد. دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید... شیعه او دارد این کار را می‌کند... سرشکسته می‌شود امام‌زمان! بیدار بشوید که مسئله خطرناک است!^۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: ان شاء الله همه شما و همه ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی درکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهیم و به فیض شهادت برسیم که بزرگ‌ترین شرف و افتخار است و هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غیبت، خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد. امیدواریم ان شاء الله همه مشکلات، همه موانع و همه سختی‌ها و رنج‌ها، به برکت این ارتباط طرفینی، با فضل الهی و با دست قدرت پروردگار از بین برود.^۵

این توسل‌اتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از این‌ها اسانید

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۱.

۲. نک: حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۸۰.

۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۲۳.

۵. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۵ آذر ۱۳۷۶.





خوبی هم دارد، این‌ها بسیار باارزش است و توسل، توجه [و] اُنس با آن بزرگوار از دور. این اُنس به معنای این نیست که حالا کسی ادعا کند که من خدمت حضرت می‌رسم یا صدای ایشان را می‌شنوم! ابدأً این جور نیست! غالب آنچه که در این زمینه گفته می‌شود، ادعاهایی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمی‌گوید، بلکه تصور می‌کند، تخیل می‌کند. ما کسانی را دیدیم. آدم‌های دروغ‌گویی نبودند؛ اما خیال می‌کردند، تخیل می‌کردند [و] تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این‌وآن نقل می‌کردند! نبایستی تسلیم این‌ها شد. راه درست، راه منطقی آن توسل، توسل از دور است: توسلی است که امام آن را از ما می‌شنود، ان شاء الله می‌پذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف می‌زنیم. اشکالی ندارد! خدای متعال سلام سلام دهندگان و پیام‌پیام‌دهندگان را به آن بزرگوار می‌رساند. این توسلات و این اُنس معنوی، بسیار خوب و لازم است.^۱

۲. کسب آمادگی برای سربازی امام‌زمان علیه السلام

اُمّ‌المؤمنین^{علیه السلام}؛ ما باید در این طور روزها و در این طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم؛ [چون] بزرگ‌تر از این است. نمی‌توانم بگویم که شخص اول است؛ برای اینکه دومی در کار نیست.

ایشان را نمی‌توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم؛ الا همین که مهدی موعود است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه‌هایی که الان به کار گرفته شده‌اند در کشور ما و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند، باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی (سلام الله علیه).^۲

۱. بیانات در دیدار با استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۸ تیر ۱۳۹۰.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲ و ۴۸۳.

رسول الله ﷺ: چرا امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه الصلوة والسلام)، در زمان خودش، در همان مدت کوتاه حکومت، با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم درباره او نتوانست ریشه بدی را بشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قَتَلَ عَلِيٌّ فِي مَخْرَابٍ عِبَادَتَهُ لِشِدَّةِ عَذْلِهِ»^۱

توان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی، مقابل امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند، کسانی بودند که زمینه‌های دینی‌شان زمینه‌های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می‌آورد! آن وقت اگر امام زمان (علیه الصلوة والسلام) در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.^۲

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به حضرت مهدی (ارواح‌فاده) یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست، اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد، یعنی به عنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان یا به صورت جشن! نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست. انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم.

سربازی امام زمان کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند. این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم! نه! به عکس... بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و

۱. تعبیری است از دانشمند مسیحی، جرج جرداق، در کتاب الامام علی صوت العدالة الانسانية.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۲۵ آذر ۱۳۷۶.



همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.^۱
 باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای
 آن چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم.^۲

۳. اصلاح کشور برای اهدا محضر امام زمان علیه السلام

علیه السلام؛ ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان
 (علیه آلاف التحية والثناء وعجل الله تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی
 امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچک تر از آن هستیم
 که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت،
 بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت، تلاش و کار کنیم.^۳

امروز شما موظف اید و باید این نظام را حفظ کنید؛ آن هم پیراسته، سالم،
 به شکل خالص و به همان شکلی که بشود آن را به ولی عصر (ارواح فدا) تحویل
 داد. این، وظیفه بزرگ شما جوان های مؤمن است.^۴

علیه السلام؛ من امیدوارم که ان شاء الله این روحیه قوی ای که در این کشور
 هست، این روحیه اسلامی و توحیدی که در این کشور هست، باقی باشد. این
 کشور را ما به صاحب اصلی او، امام زمان (سلام الله علیه) تحویل بدهیم. ان شاء الله
 به خدمت ایشان... همه برسیم و کشور را و ملت را تسلیم ایشان بکنیم.^۵

صاحب این مملکت، امام زمان (سلام الله علیه) است. با دل محکم مشغول
 کارتان بشوید و از هیچ یک از این مسائل نترسید.^۶

مملکت، امروز مال خود شماست. دیروز، اجانب در آن تصرف داشتند؛ [ولی]
 امروز یک مملکتی است اسلامی، یک مملکتی است مال پیغمبر اسلام، یک
 مملکتی است مال امام زمان (سلام الله علیه). مملکت از آن وجود مقدس است
 و ما همه، پاسداران آن هستیم و باید این مملکت را حفظ کنیم. هر کس به

۱. بیانات دردیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.

۲. بیانات دردیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۷ مرداد ۱۳۸۷.

۳. بیانات دردیدار با مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۲۲ اسفند ۱۳۶۸.

۴. بیانات دردیدار با جمعی از پاسداران، ۶ بهمن ۱۳۷۱.

۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۸۳.

۶. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۹۳.

هر اندازه‌ای که می‌تواند... مملکت مال خودتان است الان. همان طوری که با عائله خودتان رفتار می‌کنید، محبت نسبت به عائله خودتان دارید، نسبت به کشور خودتان داشته باشید، نسبت به برادرهای خودتان داشته باشید. این‌ها برادر شما هستند و ملت برادر هم است.^۱

امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده، هرچه زودتر فرا رساند و خورشید هدایت و امامت را طالع فرماید و اکنون ما منتظرانِ مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان، کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولّی عصر^ع حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغل بازی پرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم و با صلح و صفا و برادری و برابری، به پیشبرد انقلاب اسلامی کوشا باشیم.^۲

۴. خدمت به مردم و اسلامی کردن کشور

«اُمِّ مَنَسِّی»؛ ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود.^۳

شرط مهم این است که ما این عنایت خدا و آن دعای خاص ولّی عصر (روحی فداه) را حفظ کنیم که [راه] حفظ آن، خدمت به بندگان خداست... امیدوارم همه با هم باشیم و به مردم خدمت کنیم.^۴

ما اگر بخواهیم رژیممان رژیم اسلامی باشد و این ادعایی که می‌کنیم که ما مُسْلِم هستیم و ما طرفدار اسلام هستیم و طرفدار رژیم اسلامی هستیم، باید این قدم را هم برداریم که مهمّش این قدم است که محتوای یک مملکتی اسلامی باشد. هرجایش برویم، در مملکت اسلامی رفتیم، نه اینکه وقتی رفتیم بازار، ببینیم بازار همان بازار و همان رباخوری و همان اجحاف و همان گران فروشی بیجا و همان‌ها و بعد هم فریاد می‌کند که اسلام! بعد هم چراغانی می‌کنند! خیال می‌کنند... می‌شود امام زمان را بازی داد! نمی‌شود.

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۹۲.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۷۲ و ۴۷۳.

۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۴.

۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۶۴.





تا یک نوری در قلب ما پیدا نشود، فایده ندارد. هرچه هم از این اعمال بکنیم، اعمال است. از این اعمال همه می‌کنند. باید این اعمال بشود؛ نه اینکه این‌ها نشود. این اعمال بشود؛ [اما باید] پیوند با قلب داشته باشد. با قلبمان یک کاری کنیم که این عمل را قلب ما آورده باشد.^۱

میرزا محمد تقی: ملت ایران امروز این امتیاز بزرگ را دارد که فضای کشور، فضای امام‌زمان است. نه فقط شیعه در همه عالم، بلکه همه مسلمانان در انتظار مهدی موعودند. امتیاز شیعه این است که این موعود الهی و قطعی همه طوایف مسلمین، بلکه همه ادیان الهی را با اسم و رسم و خصوصیات و تاریخ ولادت می‌شناسد. خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک زیارت کرده‌اند. بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند. بسیاری از او سخن دلگرم‌کننده شنیده‌اند. بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیار دیگری بدون اینکه او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند. در همین جبهه جنگ تحمیلی، جوانانی که در لحظه‌های حساس، احساس نورانیت و معنویت کردند، لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کردند و نشناختند و نفهمیدند، بسیارند. امروز هم همان‌طور است.^۲

امام شیعی: ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر است و وظیفه آن‌هایی که در مملکت ولی عصر زندگی می‌کنند، یک وظیفه سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظاً بگوییم ما در زیر پرچم ولی عصر (سلام الله علیه) هستیم و عملاً در آن مسیر نباشیم؛ چنان‌که نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری اسلامی داریم و عملاً آن‌طور نباشیم؛ [یعنی] اسلامی نباشیم.^۳

۵. مبارزه جدی با ظالمان

امام شیعی: ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۸.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از بسیجیان، ۳ آذر ۱۳۷۸.

۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۱۳.

خاتمه می دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق، امام زمان (ارواحنا فداه)، هموار می کنیم.^۱

پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره انبیا بر این معنا بوده است. سیره بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می کردند با طاغوت؛ و لو اینکه زمین بخورند، و لو اینکه کشته بشوند، و لو کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود. این ارزش دارد. ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان (سلام الله علیه) هستیم، پس دیگر بنشینیم توی خانه هایمان [و] تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عَجِّلْ عَلَيَّ فَرَجِهِ». «عَجِّلْ»، با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن اینکه مسلمین را باهم مجتمع کنید. همه باهم بشوید.^۲

البته آن پرکردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی توانیم بکنیم. اگر می توانستیم، می کردیم؛ اما چون نمی توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الان عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. [اگر] ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم. تکلیفمان است، ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید... فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم... که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت (سلام الله علیه).^۳

۶. کار فرهنگی و تبلیغی

پیغمبر ﷺ: امروز بحمد الله ملت ما توجهشان به مقوله مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی (سلام الله علیه) از همیشه بیشتر است. روزه روز انسان احساس می کند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکر نسبت به وجود مقدس حضرت حجت (سلام الله علیه) بیشتر می شود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره رحیمه آن بزرگوار به ملت ما، دل های آن ها را متوجه آن حقیقت تابناک کرده است. خود این، نشانه توجه آن بزرگوار است. این را باید قدر دانست.

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۵.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۶۹.

۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶ و ۱۷.





... ما عقاید اسلامی مان، به خصوص عقاید شیعی، جزو پاکیزه ترین و منطقی ترین و مستحکم ترین عقاید است. توحیدی که ما تصویر می کنیم، امامتی که تصویر می کنیم، شخصیت نبی که ما تصویر می کنیم، مسائل اعتقادی و معارف دینی ای که در آیین تشیع تصویر می شود، تصویرهای روشن و منطقی ای است که هر ذهن فعالی و اهل کنکاشی می تواند به حقانیت و صحت و دقت این اعتقادات پی ببرد.

عقاید شیعه، عقاید بسیار مستحکمی است. همیشه در طول تاریخ اسلام، عقاید تشیع این جور شناخته شده است. دیگران، مخالفین، در مقام احتجاج، در مقام استدلال، در هموردی های کلامی، به استحکام عقاید امامیه که از ائمه علیهم السلام اخذ شده است، اعتراف کرده اند و ائمه علیهم السلام به تبع قرآن کریم، ما را به تأمل، به تفکر و به کارگیری خرد و اندیشه دستور داده اند. این است که فکر، اندیشه، خرد، در این عقاید آشکار است؛ به علاوه راهنمایی های ائمه علیهم السلام هم که هدایت کننده است و جلوگیری از لغزش هاست.

این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید، ثانیاً آن ها را با تدبر و تأمل عمق بخشید، ثالثاً آن ها را به درستی منتقل کرد. در همه مجموعه های فرهنگی این جور است. در آموزش و پرورش، یک معلم، یک مدیر آموزشی یا پرورشی، به بهترین وجهی می تواند از این فرصت طلایی عمر نوجوان ما که در اختیار اوست، استفاده کند. عقاید دینی را نه فقط در زنگ تعلیمات دینی، بلکه می شود آن را در همه فرصت های تعلیم، با هوشیاری، با دقت، با سنجیدگی، در عمق ذهن و جان متعلم جایگزین کرد تا او فرصت پیدا کند آن را در دل و مغز خود رشد بدهد.

مجموعه های فرهنگی مرتبط با ملت های دیگر و شاغل در خارج کشور یا مرتبط با آن ها، مهم ترین کارشان این است که این حقایق را بتوانند با شیوه های مختلف در مقابل چشم و نظر خواهندگان و جویندگان قرار بدهند: همین قدر که آن ها مطلع بشوند، در همین قضیه مهدویت، آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیرمسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که بشارت هایی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین مهدوبیتی است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف می کنند. آن کسی که عقیده شیعه را

نمی‌داند یا شکل تحریف‌شده آن به او رسیده [است]، حُب بدیهی است که یک چنین قضاوتی نمی‌تواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد؛ آن وقت خواهید دید که قضاوت خردمندان عالم، آگاهان عالم، قضاوت موافق با این عقیده خواهد بود و تأیید می‌کنند و تصدیق می‌کنند و به آن می‌گروند.

این را، هم جوانان ما، جوانان فرزانه ما، دانشجویان ما، طلاب فاضل ما [و] هم مجموعه‌هایی که متصدی آموزش‌اند، متصدی تبلیغ‌اند، متصدی پرورش افکار و اذهان هستند، باید توجه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام است به مخاطب، مساوق^۱ با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه‌ها، خرافه‌ها، ادعاهای دروغین، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌ها دخالت نکنند؛ البته نقش علمای دین، مبلغان برجسته، روشن‌فکران در این زمینه نقش برجسته‌ای است و ملت ما با عمل به تعلیم اهل بیت علیهم‌السلام و عمل به قرآن، چه در دوران انقلاب، چه در دوران دفاع مقدس، چه در حوادث گوناگونی که برای کشور ما پیش آمده است، حقانیت این تعلیم را نشان داد.

بسیاری از مردم دنیا در دوران دفاع مقدس با حقانیت تشیع آشنا شدند و به آن گرایش پیدا کردند و آن را قبول کردند و پذیرفتند؛ همچنانی که خیلی از ناظران جهانی در دوران دفاع مقدس، در دوران انقلاب، با حقایقی که در عمل امام بزرگوار ما و حواریون او که همین جوان‌های مبارز و مجاهد و مجاهدان راه حق بودند، دیده شد، به حقانیت اسلام اعتقاد پیدا کردند. بسیاری از ملت‌ها که مسلمان بودند، اما غفلت از حقیقت اسلام داشتند، بیدار شدند، آگاه شدند. نشان دادن حقیقت صحیح دین و نشان دادن آن به خصوص در عمل، چنین خاصیت معجز‌آسایی دارد.^۲

^۱ «مؤمن بالله»؛ ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است؛ حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود. از خون امام حسین (سلام‌الله‌علیه) که بالاتر نبود! [خون امام حسین (سلام‌الله‌علیه)] برای اسلام ریخته شد و

۱. مساوق به معنای همراهی کردن است.

۲. بیانات در دیدار با اқشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۷ مرداد ۱۳۸۷.





این روی همان ارزشی است که اسلام دارد. ما باید این معنا را بفهمیم و به دیگران هم تعلیم بدهیم.

شما در صورتی خلفای اسلام هستید که اسلام را به مردم بیاموزید و نگویید بگذار تا امام زمان (سلام الله علیه) بیاید. شما نماز را هیچ وقت می گذارید تا وقتی امام زمان (سلام الله علیه) آمد بخوانید؟! حفظ اسلام واجب تر از نماز است. ... اینجا ننشینید فقط مباحثه کنید؛ بلکه در سایر احکام اسلام مطالعه کنید، حقایق را نشر دهید، جزوه بنویسید و منتشر کنید؛ البته مؤثر خواهد بود. من تجربه کرده ام که تأثیر دارد.^۱

۷. انجام کارهای پژوهشی عالمانه

پیغمبر اکرم (ص): از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله انتظار و مسئله دوران ظهور نباید غفلت کرد و از کار عامیانه و جاهلانه به شدت باید پرهیز کرد. از جمله چیزهایی که می تواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیرمتکی به سند و مدرک در مسئله مربوط به امام زمان (عج) است که همین، زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم می کند. کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات، این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور می کند [و] زمینه را برای مدعیان دروغ گو و دجال فراهم می کند. از این بایستی به شدت پرهیز کرد.

در طول تاریخ، مدعیانی بودند. بعضی از مدعیان هم... یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند. همه این ها غلط است. بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور است، قطعی نیست. چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است. روایات [آن ها] ضعیف است [و] نمی شود به آن ها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد است، این جور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عده ای این شعرهای شاه نعمت الله ولی را در طول سال های متمادی و در موارد زیادی، بر آدم های مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند که بنده دیدم. گفتند: «بله، اینی که گفته من فلان کس را، فلان جور می بینم، این فلان کس است!» یک شخصی را گفته اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری

۱. سید روح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۶۸.

را پیدا کردند و به او تطبیق کردند! این‌ها غلط است. این‌ها کارهای منحرف‌کننده است، کارهای غلط‌انداز است.

وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کارِ عوامانه، از تسلیم‌شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی به شدت پرهیز کرد. کارِ عالمانه، قوی، متکی به مدرک و سند که البته کار اهل فنِ این کار است، این هم کار هرکسی نیست، باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد، بداند [و] حقایق را بشناسد؛ آن وقت می‌تواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. این بخش از کار را هرچه ممکن است، بیشتر باید جدی گرفت تا راه ان شاء الله برای مردم باز شود. هرچه دل‌ها با مقوله مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.^۱

اعظم
المرسلین



۱. بیانات دردیدار با استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۸ تیر ۱۳۹۰.



فصل پنجم

۵۷

انقلاب اسلامی و انتظار فرج

انقلاب اسلامی؛ مبین مفهوم صحیح انتظار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: ما ملتی منتظر هستیم: ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد. ما امروز، برای انتظار باید باب به خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. «ما منتظریم»، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدان و زورگویان پُر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی وقفه ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزش های انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسان ها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود پیدا نخواهد کرد. این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد.

ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملت های ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند. آن ها هم باید این امید را پیدا کنند. اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملت ها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملت های مظلوم، اگر نگوییم به صورت کامل، به صورت معتنا بهی، ولو در طول چند سال، حل خواهد شد؛ اما اگر این امید، در دل ها نتابد و همان طوری که شیطان ها خواستند مردم مأیوس باشند، ملت ها مأیوس بمانند، روز به روز وضع بدتر خواهد شد.^۱

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ: انقلاب در راه هدف الهی و استقرار حکومت الله، همان است که انبیای عظام در راه آن فداکاری ها نمودند و پیامبر عظیم الشان اسلام تا آخرین لحظات زندگی پربرت خود در راه آن، با همه توان، فداکاری و ایثار فرمود و امامان بزرگوار اسلام هر چه داشتند، نثار آن کردند.^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۶۹.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۶۳.





هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاصل را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را یا کمرنگ کرد و یا از بین برد؛ پس بحمدالله این معنا، امروز در ذهن جامعه ما نیست؛ اما معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد، برای کسی که می داند در فرهنگ اسلام و شیعه، چه قدر به انتظار اهمیت داده شده [است]، بسیار جالب است.^۱

امام یک وقتی فرمودند بعضی منتظرند که دنیا پر از ظلم و جور بشود تا امام زمان بیاید. بعد ایشان فرمودند: «دنیا امروز پر از ظلم و جور است. مگر نمی بینید در دنیا چه می گذرد؟ مگر نمی بینید با ملت ها چه می شود؟ مگر نمی بینید با انسانیت چه جوری دارد رفتار می شود؟ مگر نمی بینید عدالت چگونه به کلی در انزواست؟ نمونه های فراوان هرروزه همیشگی همه جایی این ظلم و جور را انسان دارد در دنیا مشاهده می کند. نظام جمهوری اسلامی فریاد رسا و بلند و متکی به تفکری است که در قبال این حرکت عظیم و وحشیانه و کورانه بلند شده [است]؛ یک چنین مسئله ای است.»

اینکه گاهی از بعضی زبان ها شنیده می شود که درست است که ما با نظام مسلط بر دنیا چالش داریم و مسئله داریم، یک واقعیت است. طبیعت اسلام این است: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»^۲ این معنای اسلام است؛ یعنی ایمان بالله به تنهایی کافی نیست. کفر به طاغوت، مقدمه صحت و صداقت و قبولی ایمان بالله است. کفر به طاغوت یعنی چه؟ یعنی همین نظام های سلطه موجود در دنیا. این معنایش این نیست که جمهوری اسلامی ایران حالا تفنگ دست گرفته است که راه بیفتد این طرف و آن طرف، با نظام های دنیا بجنگد! نه، اینکه خیلی ساده لوحانه است. بحث بر سر مطرح شدن یک فکر نو، یک راه نو در مقابل بشر است، مثل دعوت انبیا، دعوت انبیا همین جور است: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ»^۳

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱ اسفند ۱۳۶۹.

۲. بقره، ۲۵۶.

۳. احزاب، ۳۹.

اصل قضیه در دعوت انبیا تبلیغ است: برسانند. این رساندن، راه‌های مختلفی دارد. یکی از بهترین راه‌های این است که یک مجموعه مبتنی بر این فکر به وجود بیاید و بتواند نشانه‌های بارز این تفکر را در خودش جمع کند و آن را در مقابل جهانیان بر سر دست بلند کند. این کاری که جمهوری اسلامی در صدد است بکند، این است: یک نظام اسلامی عادلانه مبتنی بر تفکرات اسلامی به وجود بیاوریم، این را بلند کنیم، سر دست بگیریم [و] به دنیا نشان بدهیم. هیچ لزومی ندارد که لشکرکشی به جایی انجام بگیرد یا نسبت به نظام‌های گوناگون با تحرک نظامی به شکل‌های مختلف برخورد شود. مطلقاً لازم نیست. همین کافی است که این را نشان بدهیم.^۱

شعارهایی که امام‌زمان (علیه الصلوة والسلام وعجل الله تعالی فرجه) بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست: شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام‌زمان است. یک‌روزی شعار توحید، شعار معنویت و شعار دین‌داری، در دنیا منسوخ شده بود. سعی کرده بودند به طور کلی آن را به دست فراموشی بپارند؛ اما امروز در این منطقه عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است؛ شعارهای رسمی اداره کشور و احاد ملت است؛ علاوه بر این، این شعارها آرزوی ملت‌های مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیاست و این شعارها یک روز تحقق پیدا خواهد کرد.^۲

ملت، اسلام و انقلاب و نظام خود را دوست دارد. انقلاب، پرچم عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دست استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار، تسلیم امام‌زمان (ارواح فداه وعجل الله فرجه) خواهد کرد.^۳

قدرتمندان، دنیا را پر از ظلم می‌خواهند. گرچه به زبان نمی‌آورند، اما عملشان گواه آن است. ظلم می‌کنند؛ برای اینکه منافع خودشان را تأمین کنند. ما با ظلم و قلدری مخالفیم. ما برای استقرار قسط و عدل، قیام و تلاش کرده‌ایم و باز هم این ملت در همین راه تلاش خواهد کرد.

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۲۱ خرداد ۱۳۸۷.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۲۲ آبان ۱۳۷۹.

۳. بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۲۸ بهمن ۱۳۸۱.





حرکتی که برای قسط و عدل است، بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد. در این، شکی نیست. دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می‌کند و معنای امام‌زمان و انتظار فرج همین است. انتظار فرج یعنی اینکه در سرنوشت بشریت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش می‌رویم. از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا تردید کنیم؟ چرا اطمینان خودمان را از دست بدهیم؟ دستورات اسلام چراغ راهنمای ماست. آنچه را که میراث گران‌بهایی از اسلام است، در دست داریم. مجموعه گفتار امام که متخذ از اسلام است، میراثی گران‌بها و دستاوردی عظیم است که چراغ راه ماست.

ما معتقدیم که ملت‌های مسلمان، در هر نقطه از دنیا که هستند، اگر تصمیم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن داشته باشند، پیروز خواهند شد. اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام، اسلامی که طرف‌دار مظلومین و ضعفاست، دفاع کنند. قدرتمندان عالم که بر همه‌جا مسلطند، خودشان قدرتشان را افسانه‌ای جلوه داده‌اند. واقعیت قدرت آن‌ها با آنچه که دارند، خیلی متفاوت است. اگر آمریکا از آن قدرتی که ادعا و تلقین می‌کند، برخوردار بود، امروز باید از مبارزات فلسطین اثری دیده نمی‌شد؛ اما می‌بینید که مبارزات مردم فلسطین، روزبه‌روز پیش می‌رود. فلسطینی‌هایی که در این سرمای زمستان، از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده‌اند، مشکل‌ترین مشکل را برای رژیم صهیونیست غاصب به وجود آورده‌اند. این‌ها قوی هستند و غالب خواهند شد؛ به شرط اینکه صبر کنند.

اسرائیلی‌های غاصب و خبیث، با این عمل، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند و خودشان را در محظوری چندجانبه گذاشته‌اند. امروز از هر طرف حرکت کنند، شکست می‌خورند و ضربه می‌بینند. امروز هرکار که بکنند، با شکست مواجه می‌شود. اگر فلسطینی‌ها را برگردانند، شکست خورده‌اند. نگهشان ندارند، شکست خورده‌اند. اعدامشان کنند، شکست خورده‌اند. زندانی‌شان کنند، شکست خورده‌اند؛ البته شرطش این است که مبارزین فلسطینی خسته نشوند؛ مقاومت کنند و بایستند و از سخن خود برنگردند. دشمن،



آسیب پذیر است. همه دشمنانی که با ملت ها مبارزه می کنند، آسیب پذیرند.^۱ کسانی که در دوران دفاع مقدس، سرازپانشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزش ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، می تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان های خطر قدم خواهد گذاشت؛ اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می بازند و زانوانشان سست می شود [و] کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آن ها را به خطر می اندازد، انجام دهند، این ها چطور می توانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مُصلح بزرگ است، باید در خود، زمینه های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^۲

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و بانشاط حرکت می کند. این نور امید است که جوان ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار می کند و از دل مُردگی و افسردگی آن ها جلوگیری می کند و روح پویایی را در جامعه زنده می کند. این نتیجه انتظار فرج است؛ بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. اجازه ندهید یأس بردل شما حاکم بشود. انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر اینکه شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد.^۳

عاشورایی بودن؛ زمینه ساز ظهور ولی مطلق حق

عشر ائمه: جمع بندی نهضت حسینی (علیه السلام) این است که یک روز امام حسین (علیه السلام) در حالی که همه دنیا در زیر سیطره ظلمات ظلم و جور پوشیده و محکوم بود و هیچ کس جرأت نداشت حقیقت را بیان کند [و] فضا، زمین و زمان سیاه

۱. بیانات در دیدار با مهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر، ۱۸ بهمن ۱۳۷۱.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.

۳. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۲۹ شهریور ۱۳۸۴.



و ظلمانی بود، قیام کرد. شما نگاه کنید، ببینید: ابن عباس با امام حسین نیامد! عبدالله بن جعفر با امام حسین نیامد!

عزیزان من! معنای این چیست؟ این نشان نمی دهد که دنیا در چه وضعی بود؟! در چنین وضعیتی، امام حسین تک و تنها بود. البته چنده نفری دور و بر آن حضرت ماندند؛ اما اگر نمی ماندند هم آن حضرت می ایستاد. مگر غیر از این است؟! فرض کنیم شب عاشورا، وقتی حضرت فرمود که: «من بیعتم را برداشتم. بروید!» همه می رفتند. ابوالفضل و علی اکبر هم می رفتند و حضرت تنها می ماند. روز عاشورا چه می شد؟ حضرت برمی گشت یا می ایستاد و می جنگید؟ در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت: «اگر من تنها بمانم و همه دنیا در مقابل من باشند، از راهم بر نمی گردم.» آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت: «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»^۱ لقلقه زبان را که خُب همه داریم. دیدید یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟! خب اگر همه ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع و زمینه ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد.^۲

انقلاب اسلامی؛ عامل نزدیک تر شدن ظهور

پیغمبر انقلاب: ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر (صلوات الله علیه) همان طوری که با این انقلاب ما یک قدم نزدیک شد، با همین انقلاب ما باز هم می تواند نزدیک تر بشود؛ یعنی همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان نزدیک تر کنند.^۳

خدمت به انقلاب اسلامی؛ مصداق انتظار ظهور

پیغمبر انقلاب: هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمی دارید، یک قدم به ظهور مهدی نزدیک تر می شوید.^۴

۱. احزاب، ۲۳.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۳. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، در مکتب جمعه، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۴. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، در مکتب جمعه، ص ۶۵۹.

زمینه آماده؛ از ملزومات ظهور ولی عصر^{علیه السلام}

«بیشتر انقلاب»: «امام زمان می آید انجام می دهد» یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی شود شروع کرد! جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحناfade) باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد؛ والا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولوالعزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی ها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟! چون زمینه ها آماده نبود.^۱

نقش انقلاب اسلامی در تسریع ظهور

«بیشتر انقلاب»: انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان ^{علیه السلام} برای تأمین آن هدف مبعوث می شود و ظاهر می شود، یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر (صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عقب می افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغ دار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت، بدانید [که بهتر از همه ما می دانید] شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر (صلوات الله علیه) شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیک تر کردید با این انقلاب که مانع را که همان دستگاه و نظام پلید ظلم در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و مودی و آزار دهنده ای بود، این را کندید و قلع و قمع کردید.^۲

انقلاب اسلامی؛ نمونه کوچکی از انقلاب مهدوی

«بیشتر انقلاب»: همه خصوصیتی که در ظهور مهدی ^{علیه السلام} هست، در یک مقیاس کوچک، در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیه الله، همه مردم عالم اند؛ یعنی در آن لحظه ای که به خانه کعبه پشت می دهد و تکیه می کند و دعوت خود را با صدای بلند

۱. بیانات در دیدار با اقسام مختلف مردم، ۲۵ آذر ۱۳۷۶.

۲. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، در مکتب جمعه، ص ۲۲۰.





فریاد می‌کند، صدا می‌زند: «یا أَهْلَ الْعَالَمِ». انقلاب اسلامی ما هم از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست. همچنانی که آن بزرگوار با همه قدرت‌های بزرگ جهان ستیزه می‌کند و درمی‌افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان، با همه قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی، همه حساب‌های مادی و معمولی را به هم می‌ریزد، انقلاب ما هم همه حساب‌ها را به هم ریخت. امروز با انقلاب اسلامی ما که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است، انقلاب حضرت مهدی (علیه الصلوة والسلام) یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی، آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد؛ بلکه آن را تسریع هم می‌کند و این است معنای انتظار^۱.

حکومت جهانی ولی عصر^{علیه السلام}؛ معیار عملی جمهوری اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیة الله (ارواح‌افاده) است، فریب و حيله‌گری برای جلب آرای مردم، خودش جرم است. استفاده از قدرت برای به دست آوردن پول، یکی از بزرگ‌ترین جرائم است. آنجا یاران حضرت مهدی موظف‌اند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادعا را نکردیم و نمی‌کنیم؛ اما باید نشانه‌ای از او داشته باشیم. در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه‌های مختلف و مدیریت‌ها و امضاها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند.

...اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود کاملاً منافات دارد.^۲

۱. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، در مکتب جمعه، ص ۶۵۸.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.



کتابخانه
دانشگاه

فصل ششم

۶۷

ویژگی‌های دوران ظهور

مقصد نهایی کاروان بشری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: اعتقاد به امام‌زمان یک بخشی از جهان‌بینی ادیان است؛ یعنی ادیان الهی همچنان که در جهان‌بینی عمومی خودشان نسبت به عالم، آدم، منشأ آفرینش و منتهای سیر حیات بشر، یعنی دربارهٔ مبدأ و معاد نظر می‌دهند، یکی از بخش‌های این جهان‌بینی، این مجموعهٔ عظیمی که زیربنای همهٔ افکار و تأملات و احکام و قوانین و مقررات ادیان است، عبارت است از مسئلهٔ نهایت سیر کاروان بشر در این دنیا. مسئلهٔ آن دنیا و آن نشئه، مسئلهٔ دیگری است: مسئلهٔ آخرت است. یک مسئله این است که بشریت دارد به کجا می‌رود؟ اگر ما جامعهٔ بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یک مسیری را می‌رود، [این] سؤال مطرح است که این کاروان به کجا می‌رود؟ مقصد این کاروان کجاست؟ منتهالیه این سیر کجاست؟

این یک سؤال جدی است. این باید در هر جهان‌بینی‌ای پاسخ داده بشود. ادیان به این پاسخ داده‌اند. پاسخ‌های نحله‌های فکری غیردینی در این زمینه یکسان نیست؛ لکن پاسخ ادیان به این سؤال، تقریباً یکسان است [و] پاسخ مشخصی است. تا آنجایی که ادیان الهی و ادیانی را که رنویسی از ادیان الهی‌اند، می‌شناسیم [که] ولو خودشان هم الهی نباشند، اما پیدا است اصول و قواعد کار را از ادیان الهی گرفته‌اند، همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دل‌نشین خواهد رسید. خصوصیت عمدهٔ این مقصد هم عدالت است....

در واقع، هر فردی از آحاد بشر می‌داند که این سیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این جور باید بگوییم که یک مسافری یا یک کاروانی از پیچ‌وخم‌های دشوار، از معبرهای سخت، از کوهستان‌ها، از وادی‌ها، از دره‌ها، از لجن‌زارها، از خارزارها، همین‌طور دارد عبور می‌کند، راه را می‌پیماید، برای اینکه خودش را به یک نقطه‌ای برساند. این نقطه کجاست؟ این نقطه عبارت است از یک اتوبان، یک جادهٔ مهم، یک جادهٔ باز، یک راه هموار. همهٔ آنچه در تاریخ بشر تا امروز مشاهده می‌کنیم، حرکت در همان کوره‌راه‌ها و در همان فرازونشیب‌ها و در همان خارستان‌ها و لجن‌زارها و مانند این‌ها بوده است. بشریت دارد همین‌طور این راه را طی می‌کند تا به اتوبان برسد. این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام‌الله‌علیه) است.





این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود! نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز می شود و بشریت تازه می افتد در راهی که این راه، یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش می رساند: بشریت را می رساند: نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه ها را می رساند. البته این به معنای این نیست که در آن وقت، طبیعت بشر تغییر پیدا می کند؛ نه، طبیعت بشر، طبیعت ستیزه درونی و درگیری درونی میان خیر و شر است. عقل انسان هست، طبع انسان هم هست؛ غرایز انسان احکامی دارند، کشش هایی دارند، تمایلات طبیعی انسان کار خودشان را می کنند، عقل هم کار خود را می کند [و] این تنازع در آن دوران هم وجود خواهد داشت. این جور نیست که در آن دوران، بشریت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته! نه، آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ منتها راه و جاده، جاده ای است که مساعد خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است.

این، خصوصیت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی عدل است و این قطعی است و توفیقاتی که بشر در اثنای راه پیدا کرده است، مؤید این معنا برای ذهن انسان شکاک است که آنچه وعده داده شده [است]، تحقق پیدا خواهد کرد.

... یک نکته ای در این آیات، آنجا که حضرت موسی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می اندازد، وجود دارد: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَاِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ قَالِقِيهِ فِي الْيَمِّ... إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [اینجا] دو وعده است: یک وعده، وعده برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده، وعده ﴿جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ است؛ یعنی آن وعده عمومی ای که به بنی اسرائیل داده شده بود که بنی اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید و این منجی از طرف خداست و خواهد آمد و بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد.

خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده دوم را هم داد: ﴿جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ یعنی «این را ما از طرف خودمان می فرستیم و او را همان

مُرْسَلی قرار می‌دهیم که بناست آن وعدهٔ بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد.» این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعدهٔ نقد و نزدیک بود و آن ﴿إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ﴾ بود. در آیات بعدی ... می‌فرماید: ﴿فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ﴾ و ﴿لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾^۱ اینکه ما بچه را به مادر برگردانیم، خب بله ﴿تَقَرَّ عَيْنُهَا﴾ دارد، ﴿وَلَا تَحْزَنَ﴾ دارد، دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد؛ اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که ﴿وَلَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾ [یعنی] بدانند که این وعده‌ای که ما دادیم و گفتیم منجی را می‌فرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بناست جامعهٔ بنی‌اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند، وعدهٔ درستی است: دلش مطمئن بشود و خاطر جمع بشود. یعنی یک وعدهٔ کوچک از سوی پروردگار تحقق می‌یابد؛ برای اینکه هر انسان اهل تدبیری از تحقق این وعدهٔ کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعدهٔ بزرگ تحقق پیدا خواهد کرد.



آنچه از موفقیت‌ها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده [است]، همان وعده‌های کوچک است، از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌هاست. خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمی‌برید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد. همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصور آن را نمی‌کرد! چه کسی خیال می‌کرد در این منطقهٔ بسیار حساس، در این کشور بسیار مهم، در مقابلهٔ با آن رژیم به شدت حمایت‌شونده از سوی قدرت‌های بین‌المللی، یک حکومتی به وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟! چه کسی چنین تصویری می‌کرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من می‌دانستم این‌جوری می‌شود، مگر از طرق غیبی فهمیده باشد. محاسبات مطلقاً این را نشان نمی‌داد؛ اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعدهٔ اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد.



باید منتظر بود. این نگاه ادیان به پایان راه کاروان بشری، نگاه بسیار امیدبخشی است. حقیقتاً روحیه انتظار و روحیه ارتباط با ولی عصر (ارواحناfade) و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه اسلامی است.^۱

عدالت؛ برجسته‌ترین شعار مهدویت

برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه، وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم، این است: «أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمِّ وَالْعَوَجِ أَيْنَ الْمُزْتَجِ لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ»^۲ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجات‌بخش بیاید و ستم را ریشه‌کن کند [و] بنای ظلم را که در تاریخ بشر، از زمان‌های گذشته همواره وجود داشته و امروز هم باشد وجود دارد، ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشاند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است.

یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آن‌ها این است که «الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَأَتْ ظُلُمًا وَجَوْرًا».^۳ انتظار این است که او همه عالم، نه یک نقطه را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار است، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است.

درد بزرگ بشریت، امروز همین مسئله فقدان عدالت است. همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکل‌های مختلف بر مردم جفا کرده‌اند، بشریت را زیر فشار قرار داده‌اند و انسان‌ها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده‌اند؛ اما امروز این معنا از همیشه تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود

۱. بیانات در دیدار با پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحديث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۲۱ خرداد ۱۳۹۳.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۹۷؛ محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری (ابن مشهدی)، المزار الكبير، ص ۵۷۸.

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۸.



می‌طلبید و انتظار می‌برد؛ بنابراین، مسئله، مسئله طلب عدالت است.^۱

امام شیعی: قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند؛ من جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود، در تمام بشر نبوده کسی، الا مهدی موعود (سلام الله علیه) که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر.

هریک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند؛ لکن موفق نشدند... و آن، کسی [است] که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد، بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی... [مثلاً] اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است.

اگر در عقاید [او] یک انحرافاتی و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. [این امر محقق می‌شود] در زمان ظهور مهدی موعود (سلام الله علیه) که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن،... به دست این بزرگوار اجرا بشود.

اینکه این بزرگوار را طول عمر داده [است] خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می‌فهمیم که در بشر کسی نبوده است... که این اجرای عدالت را بکند؛ نمی‌توانسته [است] و این، یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب (ارواحنا لله الفداء) بزرگ‌ترین عید برای مسلمین است و بزرگ‌ترین عید برای بشر است، نه برای مسلمین.^۲ «بِسْمِ اللَّهِ»؛ ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر می‌کنیم، این است که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۸۰ و ۴۸۱.



وَعَدْلًا^۱. نمی‌گوییم: «يَمْلَأُ اللَّهُ دِينًا وَ صَلَوَةً وَ صَوْمًا». با اینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقق را پیدا می‌کند؛ لیکن معلوم می‌شود که این عدل، یک مصرع بلند درخواست‌های انسان است.^۲

اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی، نه فقط دین اسلام، تحقق پیدا کند، ولی در آن عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه می‌کند. هدف پیامبران، اقامه قسط است: «لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ»^۳ اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه قسط کنند؛ البته، اقامه قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آن‌ها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی عصر علیه السلام در آخر زمان هم باز همین عدل است.^۴

اگر کسی در زمان حضرت صاحب (سلام الله علیه) حکومت، واحد می‌شود. ... یک عدالت اجتماعی در همه عالم می‌آید؛ اما نه اینکه انسان‌ها بشوند یک انسان دیگر! انسان‌ها همان‌ها هستند که یک دسته‌شان خوب‌اند، یک [دسته] بد؛ منتها آن‌هایی که بد هستند، دیگر نمی‌توانند که کارهای خلاف بکنند.^۵

ارتقای سطح اندیشه و علم در بین عموم جامعه

پیغمبر صلی الله علیه و آله: خصوصیت جامعه ایدئالی که امام زمان (صلوات الله علیه) آن را می‌سازد، بالا رفتن سطح اندیشه انسان است: هم اندیشه علمی انسان، هم اندیشه اسلامی انسان؛ یعنی در دوران ولی عصر، شما باید نشانی از جهل و بی‌سوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید. آنجا مردم می‌توانند دین را به درستی بشناسند و این همچنانی که همه

۱. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۵۶۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶.

۲. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۴ اسفند ۱۳۷۷.

۳. حدید، ۲۵.

۴. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۹ بهمن ۱۳۶۸.

۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۰.

می‌دانید، یکی از هدف‌های بزرگ پیامبران بود که امیرالمؤمنین (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه) این را در خطبه نهج البلاغه شریف بیان کرده است.^۱ در روایات ما وارد شده است که وقتی ولی عصر ظهور می‌کند، زنی در خانه می‌نشیند و قرآن را باز می‌کند و از متن قرآن، حقایق دین را استخراج می‌کند و می‌فهمد.^۲ یعنی چه؟ یعنی آن قدر سطح فرهنگ اسلامی و دینی بالا می‌رود که همه افراد انسان و همه افراد جامعه و زنانی که در میدان اجتماع هم بر فرض شرکت نمی‌کنند و در خانه می‌نشینند، آن‌ها هم می‌توانند فقیه باشند، دین‌شناس باشند، می‌توانند قرآن را باز کنند و خودشان حقایق دین را از قرآن بفهمند و شما ببینید که در جامعه‌ای که همه مردان و زنان در سطوح مختلف، قدرت فهم دین و استنباط از کتاب الهی را دارند، این جامعه چقدر نورانی است و هیچ نقطه‌ای از ظلمت در این جامعه دیگر نیست. این همه اختلاف نظر و اختلاف رویه، دیگر در آن جامعه معنایی ندارد.^۳

از بین رفتن همه اختلافات

«ختمی» به ما این وعده را داده‌اند که در یک وقتی که امام زمان (سلام‌الله‌علیه) ظهور کند، اختلافات از بین می‌رود و همه برادروار باهم هستند. دیگر زورمند و عرض می‌کنم که زورکشی در کار نمی‌ماند. ما امیدواریم یک قدری از این مطلب را، یک ورقی از این مطلب را، بتوانیم آن قدری که قدرت داریم، اجرا کنیم.^۴

«میراث انقلاب»: باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید: دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است؛ دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های جنگ‌افروز عالم، همان‌هایی

۱. عبدالحمید بن هبة‌الله بن ابی‌الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۱۳؛ علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۸، خطبه ۱: «و يُثْبِرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ» (و توانمندی‌های پنهان‌شده عقل‌ها را آشکار سازند).

۲. «حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ» (محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی (ابن ابی‌زینب)، کتاب الغیبة، ص ۲۳۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲).

۳. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، در مکتب جمعه، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۹۸.



که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند، دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند [و] در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست. باید برای آن دوران تلاش کرد.^۱

هدایت همگانی

«اَشْمُ یَسِیِّ: تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله و ظلم و جور را از تمام روی زمین برمی‌دارند، به همان معنای مطلقش. از این جهت، این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول ﷺ که بزرگ‌ترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگ‌تر است.^۲

«بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ: زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام‌زمان است که خدا می‌داند بشر در آنجا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد؛ بنابراین، اگر ادامه حکومت پیامبر میسر می‌شد و در همان دوره‌های اول پدید می‌آمد و تاریخ بشریت عوض می‌شد، فرجام کار بشری، مدت‌ها جلو می‌افتاد؛ اما این کار به دلایلی نشد.^۳

مردم‌سالاری در حکومت امام‌زمان

«بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ: حکومت آینده حضرت مهدی موعود (ارواح‌نفاذ) یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی مَّتْکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام‌زمان، تنها [یی] دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند. امام‌زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آن‌هاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می‌دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت‌های مدعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز، از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

آنچه امروز در دنیا اسم دموکراسی و مردم‌سالاری را روی آن گذاشته‌اند، همان دیکتاتوری‌های قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است، یعنی دیکتاتوری گروه‌ها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروه‌هاست

۱. بیانات در دیدار با مردم قم، ۳۰ بهمن ۱۳۷۰.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۶ فروردین ۱۳۷۹.

و مردم در این میان هیچ کاره‌اند: یک گروه به قدرت دست پیدا می‌کند و در سایهٔ قدرت سیاسی‌ای که همهٔ زمام‌های امور را در کشور در اختیار او می‌گذارد و با سوءاستفاده از این قدرت، ثروت و پول و سرمایه به نفع خود گردآوری می‌کند و آن‌ها را در راه به دست آوردن دوبارهٔ قدرت مصرف می‌کند!

دمکراسی‌های امروز دنیا بر پایهٔ تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشم‌ها و دل‌هاست. امروز در دنیا، هر جا شعار دمکراسی می‌دهند، شما ببینید برای تبلیغات کاندیداهای ریاست‌جمهوری و یا نمایندگان مجلس چه کار می‌کنند! پول خرج می‌کنند. دمکراسی در پنجهٔ اقتدار پول‌اسیر است. مردم‌سالاری امام‌زمان، یعنی مردم‌سالاری دینی، با این روش، به کلی متفاوت است.^۱



کتابخانه
ایستاد

فصل هفتم

۷۷

برداشت‌های انحرافی از فرج

برداشت‌های انحرافی از انتظار فرج

۱. اکتفا به دعا و آمادگی فردی

«امام خمینی: بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام‌زمان (سلام‌الله‌علیه) را از خدا بخواهند.

این‌ها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند؛ بلکه بعضی از آن‌ها را که من سابقاً می‌شناختم، بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب (سلام‌الله‌علیه) بود. این‌ها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امریه معروف هم می‌کردند؛ لکن همین: دیگر غیر از این، کاری از ایشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند.^۱

۲. بی‌توجهی به سیاست و آنچه در دنیا می‌گذرد

«امام خمینی: یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، برملت‌ها چه می‌گذرد، برملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم؛ ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم. برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان‌شاءالله، درست می‌کنند [و] دیگر ما تکلیفی نداریم! [می‌گفتند:] «تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم.» این‌ها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.^۲

«مجتهد الاسلام: بعضی‌ها بی‌توجه، از جدایی دین و سیاست حرف می‌زنند؛ یعنی دین را به گوشه‌های خلوت برانند و انسان دین‌دار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در اینجا نصیحت نمی‌تواند کاری بکند. آنچه می‌تواند قدرت‌ها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه آن را برکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام‌زمان (ارواح‌فاده) با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش او را مجهز به

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳ و ۱۴.





آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را می‌گیرد و کاخ‌های ستم را ویران می‌کند.^۱

۳. ترک نهی از منکر به منظور فراگیر شدن ظلم در عالم

«خُشَعِیْنِ: یک دسته‌ای می‌گفتند که: «خُب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند [و] گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.»

... ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند؟! حضرت بیایند، چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند، می‌خواهند همین کارها را بکنند. الان دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟! دیگر بشر تکلیفی ندارد؛ بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟!^۲

به حسب رأی این جمعیت که بعضی‌شان بازیگرند و بعضی‌شان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام! هرکسی نفرین به صدام کند، خلاف امر کرده است؛ برای اینکه حضرت دیر می‌آیند و هرکسی دعا کند به صدام؛ برای اینکه این فساد زیاد می‌کند! [با این تفکر] ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنباشان از قبیل صدام باشیم و امثال این‌ها؛ تا اینکه این‌ها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند! بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟! حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند؟ همان کاری [را بردارند] که ما می‌کنیم و ما دعا می‌کنیم که ظلم و جور باشد؟! حضرت می‌خواهند همین را بَرَش دارند؟!

ما اگر دستان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست؛ منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست، این است که حضرت، عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه [اینکه] شما دست بردارید از تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید!^۳

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۴.

۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴ و ۱۵.

۴. دعوت مردم به گناه، برای نزدیک شدن ظهور!

امام حسین: یک دسته‌ای از این بالاتر بودند. می‌گفتند: باید دامن زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (سلام الله علیه) تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته... اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.

...حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد. آیا معنایش این است که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت نکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟! حضرت صاحب که تشریف می‌آورند، برای چه می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را... برای اینکه فساد را از بین ببرند.^۱

۵. ادعای باطل بودن هر حکومتی قبل از ظهور

امام حسین: یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آن‌ها مغرور بودند. آن‌هایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمای بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آن‌ها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد! در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با «علم مهدی»، به عنوان «مهدویت» بلند کند [باطل است].^۲

اینکه می‌گویند حکومت لازم نیست، معنایش این است که هر چه و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن‌طور فساد پرمی کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آن‌که می‌گویند حکومت نباشد، معنایش این است که هر چه و مرج بشود، همه هم را بکشند، همه به هم ظلم بکنند؛ برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟! برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم عاقل [است؟!]. یک آدم اگر سفيه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده



۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴.



باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آن‌ها نداشته باشیم، آن‌ها بیایند هرکاری می‌خواهند انجام بدهند [که البته ممکن نیست چنین حرفی بزنند]، این باید خیلی آدم نفهمی باشد!^۱

این‌هایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد، این برخلاف انتظار فرج است، این‌ها نمی‌فهمند چه دارند می‌گویند... حکومت نبودن، یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار نکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است! اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این‌گونه روایت قابل عمل نیست و این نفهم‌ها نمی‌دانند چه می‌گویند. [غلط می‌گویند که] هر حکومتی باشد، حکومت [باطل] است!... این‌ها یک چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود، ابلهانه بود؛ لکن آن‌ها می‌فهمند دارند چه می‌کنند! آن‌ها می‌خواهند ما را کنار بزنند.^۲

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴ و ۱۵.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶.



در انتظام

فصل هشتم

۸۳

ولایت فقیہ؛ نیابت امام زمان

◀ آیین ولایت‌مداری در عصر غیبت

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در اسلام «ولی امر» آن کسی است که فرستاده خداست... او [یعنی خداوند] پیغمبر و امام را معین می‌کند و برای بعد از امام نیز صفاتی را معین می‌کند که این‌ها بعد از ائمه هداة معصومین، حاکم بر جامعه اسلامی هستند. پس «ولی» را خدا معین می‌کند: خودش ولی است، پیغمبرش ولی است، امام‌ها [هم] ولی هستند. امام‌های خاندان پیغمبر تعیین شده‌اند که دوازده نفرند و دررتبه بعد کسانی که با یک معیارها و ملاک‌های خاصی تطبیق بکنند و جور بیابند، آن‌ها از برای حکومت و خلافت معین شده‌اند.^۱

«اُمِّ مَرْثَدَیْ» نظریه شیعه درمورد طرز حکومت و اینکه چه کسانی باید عهده‌دار آن شوند، در دوره رحلت پیغمبر اکرم ﷺ تا زمان غیبت واضح است. به موجب آن، امام باید فاضل و عالم به احکام و قوانین و در اجرای آن عادل باشد.

... اکنون که دوران غیبت امام علیک‌سلام پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرچ‌ومرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دوپست سال بود یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده‌است؛ ولی تکلیف حکومتی نداریم؟

معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی‌حالی، دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند، بکنند و ما اگر کارهای آن‌ها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم! آیا باید این‌طور باشد یا اینکه حکومت لازم است و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده‌است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب علیک‌سلام موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است؟

این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است... اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد، به‌پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم ﷺ در امر اداره جامعه داشت، دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.^۲

۱. سیدعلی خامنه‌ای، ولایت، ص ۸۴ تا ۸۶.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۸ تا ۵۰.





ولی فقیه؛ نایب امام زمان علیه السلام در عصر غیبت

«شمس‌الدین»: قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله است و این‌ها از ولایت رسول الله هم می‌ترسند!^۱

رحمتهما الله تعالی: [عده‌ای] اصل مفهوم رهبری فقیه و حاکمیت دین‌شناسان را زیر سؤال می‌برند. فقیه یعنی چه؟ فقیه یعنی کسی که دین را می‌شناسد و راهی را که دین برای مردم ترسیم کرده است تا بتوانند سعادت و خوشبختی و آزادی و خوشی دنیا و آخرت را به دست بیاورند، می‌شناسد و در مقابل مردم می‌گذارد: فقیه یعنی حاکمیت انسانی که یک منطق عقلانی پشت سرش است و استدلالی محکم دارد: حاکمیت چنین انسانی را حاکمیت یک نظامی یا یک سرمایه‌دار یا حاکمیت یک سیاست‌مدار حزبی حرفه‌ای ندارد.^۲

اما در دوران غیبت، یعنی در همان دورانی که ما هم معتقدیم که امام معصومی در جامعه وجود ندارد، آن حکومت متعلق به کی باشد بهتر است؟ ... همان حکومتی که متعلق به خدا بود و منتقل به پیغمبران و پیغمبر اسلام شد، در این دوران منتقل می‌شود به یک انسانی که طهارت و تقوا [را] در حد عدالت داشته باشد؛ انسان پاکیزه و باتقوایی باشد؛ گناه نکند؛ ظلم نکند؛ گرایش به دشمنان خدا پیدا نکند؛ مطیع امر خدا باشد؛ با هوای نفس خود مخالفت کند؛ بر نفس خود کنترل داشته باشد. این یک شرط؛ علاوه بر آن، به احکام اسلامی و به قرآن کاملاً مسلط باشد؛ یعنی قدرت فقاہت داشته باشد، بتواند اسلام را بفهمد، دین را بشناسد، احکام الهی را از مستندات آن کشف کند، با قرآن مأنوس باشد، با سنت انس داشته باشد و توانایی استنباط داشته باشد؛ علاوه بر آن، یعنی از غیر فقاہت و عدالت، درایت و کفایت هم لازم است: انسانی باشد که دارای درایت لازم باشد، هوشمند باشد، زمان را بشناسد، دشمنان اسلام را بشناسد، دنیا را بشناسد. ... این سه شرط است که یک انسان را شایسته می‌کند و لایق می‌کند که

ولایتی را که متعلق به خداست، [متعلق] به پیغمبر است، در اختیار بگیرد.^۳

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

۲. بیانات در دیدار با مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر، ۱۸ بهمن ۱۳۷۱.

۳. مؤسسه فرهنگی هنری راه فخر الائمة علیهم السلام، ولایت فقیه؛ سایه حقیقت عظمی در بیان حضرت امام خمینی رحمتهما الله تعالی و رهبر معظم انقلاب مُذْطَلَّه العالی، ج ۱.

«بِشَرِّ النَّاسِ»؛ کار علما کار انبیاست: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»^۱ انبیا کارشان مسئله‌گویی فقط نبود. اگر انبیا فقط به این اکتفا می‌کردند که حلال و حرامی را برای مردم بیان کنند، اینکه مشکلی وجود نداشت؛ کسی با این‌ها در نمی‌افتاد. در این آیات شریفه [ازجمله] «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^۲ این چه تبلیغی است که خشیت از مردم در او مندرج است که انسان باید از مردم نترسد در حال این تبلیغ؟! اگر فقط بیان چند حکم شرعی بود که ترس موردی نداشت که خدای متعال تمجید کند که از مردم نمی‌ترسند، از غیر خدا نمی‌ترسند. این تجربه‌های دشواری که انبیای الهی در طول عمر مبارک خودشان متحمل شدند، برای که بود؟ چه کاری کردند؟ «وَكَأَيُّنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا»^۳ چه بود این رسالتی که باید برایش جنگید؟ باید «جنود الله» را برای او بسیج کرد، پیش برد؛ فقط گفتن چند جمله حلال و حرام و گفتن چند مسئله است؟ انبیا برای اقامه حق، برای اقامه عدل، برای مبارزه با ظلم، برای مبارزه با فساد قیام کردند، برای شکستن طاغوت‌ها قیام کردند.^۴

«خِصْمِي»؛ وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ‌کس این توهّم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه علیهم السلام و رسول اکرم ﷺ است؛ زیرا اینجا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از وظیفه است.

ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است؛ نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیرعادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، ولایت مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، برخلاف تصویری که خیلی از افراد

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۲.

۲. [پیامبران] پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و [تنها] از او می‌ترسیدند و از هیچ‌کس جز خدا بیم نداشتند و همین بس که خداوند حسابگر [و پاداش دهنده اعمال آن‌ها] است! (احزاب، ۳۹).

۳. چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند [و تن به تسلیم ندادند] و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد (آل عمران، ۱۴۶).

۴. بیانات در دیدار با روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸.





دارند، امتیاز نیست؛ بلکه وظیفه‌ای خطیر است... مثل این است که امام علیه السلام کسی را برای حضانت، حکومت یا منصبی از مناصب، تعیین کند. در این موارد معقول نیست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام با فقیه فرق داشته باشد.

...خداوند متعال رسول اکرم صلی الله علیه و آله را ولی همه مسلمانان قرار داده [است] و تا وقتی آن حضرت باشند، حتی بر حضرت امیر علیه السلام ولایت دارند. پس از آن حضرت، امام بر همه مسلمانان، حتی بر امام بعد از خود، ولایت دارد؛ یعنی او امر حکومتی او درباره همه نافذ و جاری است و می‌تواند قاضی و والی نصب و عزل کند. همین ولایتی که برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم هست... در این معنا، مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبه بالاتر و دیگری در مرتبه پایین‌تر باشد: یکی والی و دیگری والی‌تر باشد.^۱

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۱ و ۵۲.

کتابنامه

۱. قرآن.
۲. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله بن ابی الحديد معتزلى، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحديد، به تحقيق و تصحيح محمد ابوالفضل ابراهيم، ج ۱، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن ابی زينب، محمد بن ابراهيم نعمانى، كتاب الغيبة، به تحقيق و تصحيح على اكبر غفارى، ج ۱، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۴. ابن طاووس، على بن موسى، اقبال الأعمال، ج ۱، قم، ۲، تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۴۰۹ ق.
۵. ابن مشهدى حائرى، محمد بن جعفر بن على، المزار الكبير، به تحقيق و تصحيح جواد قيومى اصفهانى، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۹ ق.
۶. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، به تحقيق و تصحيح سيد هاشم رسولى محلاتى، ج ۲، ج ۱، تبريز: بنى هاشمى، ۱۳۸۱ ق.



۷. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ و ۴، چ ۱، قم: مؤسسه البعثة، ۱۳۷۴ ش.

۸. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، به تحقیق و تصحیح سیدمهدی رجائی، چ ۲، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۹. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، چ ۱، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ ق.

۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، ولایت، به نقل از: کتابخانه دیجیتال سایت مؤسسه مطالعاتی صراط مبین.

۱۱. شبلنجی شافعی، مؤمن بن حسن، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار علیهم السلام، قم: الشریف الرضی، بی تا.

۱۲. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱ و ۲، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، به تحقیق و تصحیح محمد مفتاح، ج ۱۶، چ ۱، تهران: فراهانی، بی تا.

۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، به تحقیق و تصحیح محمد باقر خراسان، ج ۲، چ ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.

۱۵. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، به کوشش محمد بن حسین بن موسوی بغدادی (شریف الرضی)، ترجمه محمد دشتی، چ ۱، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.

۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمّی، به تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزائری، ج ۲، چ ۳، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.

۱۷. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، به تحقیق علی بن جمال اشرف حسینی، ج ۳، قم: دار الاسوه، ۱۴۲۲ ق.

۱۸. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، به تحقیق و تصحیح حسین اعلمی، ج ۲، چ ۲، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱، چ ۴، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۳۶ و ۳۸ و ۵۲ و ۵۳، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۲۱. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، در مکتب جمعه، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ ش، به نقل از: کتابخانه دیجیتال تبیان.

۲۲. موسوی خمینی، سیدروح الله، تفسیر سورة حمد، به نقل از:

www.imam_khomeini.ir

۲۳. موسوی خمینی، سیدروح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی): تقریر بیانات امام خمینی قدس سره، چ ۳۰، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴ ش.

۲۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.

۲۵. مؤسسه فرهنگی هنری راه فخر الائمة علیهم السلام، ولایت فقیه: سایه حقیقت عظمی، در بیان حضرت امام خمینی قدس سره و رهبر معظم انقلاب مأظله العالی، ج ۱، به نقل از: کتابخانه دیجیتال سایت مؤسسه مطالعاتی صراط مبین.

۲۶. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.

۲۷. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، به تحقیق و تصحیح محمد انصاری زنجانی خوئینی، ج ۲، چ ۱، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق.

۲۸. یزدی حائری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، به تحقیق و تصحیح علی عاشور، ج ۱، چ ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق.



کتابخانه
دارالافتاء
۱۴۳۵ھ

۹۱

مسابقہ فرہنگی

◀ مسابقه فرهنگی در انتظار ولی اعظم

توضیحات شرکت در مسابقه

❖ پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

❖ به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها را به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: در انتظار ولی اعظم ۱۳۳۴۲ محمد عظیمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی، به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

❖ هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

❖ آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

❖ قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹





پرسش‌ها

■ **پرسش اول:** نتیجه معنوی و روحی اعتقاد به مهدویت در کدام گزینه بیان شده است؟

۱. توفیق بیشتر برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب الی الله
۲. تسلیم نشدن جامعه هنگام بروز سختی‌ها و مشکلات
۳. از بین رفتن احساس ضعف و سستی در ملت‌ها
۴. گزینه ۲ و ۳

■ **پرسش دوم:** در گزارش گروه‌های تبلیغی مسیحیت که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام می‌شدند تا جاده استعمار را در آنجا صاف کنند، یکی از مشکلات آن‌ها در شمال آفریقا چه بیان شده است؟

۱. رشد کمی و کیفی آگاهی‌های دینی و علوم جدید در کشورهای آفریقایی
۲. اعتقاد مردم به ظهور مهدی موعود و سر بلند شدن اسلام توسط آن حضرت
۳. وحدت حاکم در سرزمین‌های آفریقایی شمالی و آفریقایی جنوبی
۴. رواج اندیشه‌های صوفی‌گری در میان سایر ادیان

❖ **پرسش سوم:** انتظارِ ظهورِ حضرت ولیّ الله الاعظم (ارواحنا فداه)، مضمون و معنایی در بطن خود دارد. این مضمون و معنا در کدام گزینه آمده است؟

۱. قانع نشدن به وضع موجود

۲. حرکت با شوق و امید

۳. دلگرمی مؤمنین به آینده

۴. همهٔ گزینه‌ها

❖ **پرسش چهارم:** طبق سخنان رهبر معظم انقلاب مَظَلَّةُ الْعَلَى پیش‌زمینهٔ انتظار سازنده کدام است؟

۱. ایستادگی و مقاومت

۲. تلاش و جدت‌آفرین

۳. خودسازی و آگاهی

۴. فقط صبر بر مصیبت‌ها

❖ **پرسش پنجم:** طبق سخنان رهبر معظم انقلاب مَظَلَّةُ الْعَلَى کدام عامل زمینه را برای فعالیت مدعیان دروغین در موضوعات مربوط به امام‌زمان ع فراهم می‌کند؟

۱. کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیرمتمکی به سند و مدرک

۲. پیشرفت در حوزهٔ تکنولوژی و تجهیزات مدرن امروزی

۳. القای احساس محرومیت در بین جوامع اسلامی، توسط استعمار

۴. گوشه‌گیری و مشارکت نداشتن در فعالیت‌های اجتماعی



پاسخ نامه مسابقه فرهنگی در انتظار ولی اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت با کد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظرسنجی کتاب در انتظار ولی اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

ردیف	موضوع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادهای و انتقادهای: -----						

لبه کاغذ را پس از پرش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی
صندوق پستی: ۹۱۷۳۵ - ۳۵۱